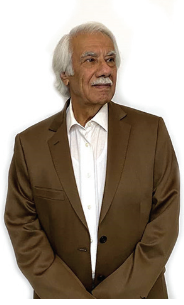
نسیم جنوب
www.nasimjonoub
سال بیست و چهارم – شماره ۹۷۹ سه شنبه ۱۸ آبان ۱۴۰۰
۸ صفحه – ۱۰۰۰ تومان



زندگی نامه
دکتر جعفر حمیدی در مصاحبه با نسیم جنوب:
خدمت در کوه‌های صعب‌العبور کردستان
ص ۵

افغانستان را چه می‌شود؟
عبدالمجید زنگویی
ص ۷



شوک به فوتبال ایران با حذف ستاره درخشان بوشهری

کارت قرمز طارمی برای خطای نکرده

حذف طارمی؛ نمایش اقتدار یا عقده‌گشایی

طارمی و آزادی بیان در قرن ۲۱!

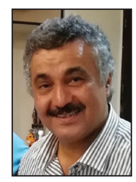


مهاجرت نخل‌های دشتستان بوشهر برای تزیین خیابان‌های عربی

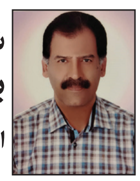
توضیحی در باره انتشار فیلم فروش نخل‌های دشتستان به کشورهای همسایه

حمید آباذر
ص ۶





موانع بیرونی توسعه بوشهر
دکتر حمید اسدپور
۳



شیفه و اونبار بوشهری‌ها
ابراهیم بشکانی
۵



معماری بومی بافت تاریخی بندر بوشهر
معصومه احمدپور بوشهری
۴



سایه روشن‌های آپارتمان نشینی
حسین حشمتی
۶

مدیرکل نوسازی مدارس بوشهر:
۷۰۰ کلاس درس تخریبی در استان بوشهر وجود دارد

مدیرکل نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس استان بوشهر گفت: با وجود احداث، نوسازی و مقاوم سازی یکهزار و ۳۰۰ کلاس درس در هشت سال گذشته اما هنوز هم ۷۰۰ کلاس درس تخریبی دیگر در این استان وجود دارد که نوسازی آنها نیازمند همت و مشارکت خیران مدرسه ساز است.

احمد مرادی در گفت‌وگو با ایرنا افزود: با نوسازی یکهزار و ۳۰۰ کلاس در استان بوشهر ۱۸۰ هزار مترمربع به فضاهای آموزشی استاندارد این استان افزوده و در این ارتباط ۲۵۰ میلیارد تومان اعتبار هزینه شده است.

وی بیان کرد: ۵۰ درصد از نوسازی این کلاس‌های درس تخریبی با همت خیران مدرسه ساز انجام و تحویل آموزش و پرورش شده است.

مرادی با اشاره به اینکه استان بوشهر از لحاظ سرانه، فضای استاندارد آموزشی و تراکم دانش آموزی جزو استان‌های اول کشور است، یادآور شد: در زمان حاضر هفت هزار و ۸۰۰ کلاس درس فعال در این استان وجود دارد که با توجه به کلاس‌های درس تحویلی و در دست اجرا ۲۵ درصد این کلاس‌ها در کمتر از هشت سال گذشته احداث شده است.

وی در باره مشارکت خیران مدرسه ساز در استان بوشهر گفت: میزان تعهد خیران مدرسه ساز این استان در جشنواره بیست و دوم ۷۵ میلیارد تومان بود که ۸۰ درصد آن تاکنون محقق شده است.

مدیرکل نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس استان بوشهر گفت: از ۱۰۶ پروژه آموزشی در دست احداث ۴۳۸ کلاس درس در قالب ۶۸ پروژه تا پایان امسال تحویل می‌شود.

خرید نخل های ایرانی

رئیس انجمن ملی خرمای ایران خبر خرید نخل ایران توسط کویت و قطر را تائید کرد. او گفت صادرات نخل از ایران به کشورهای حاشیه خلیج‌فارس در شهرهای جنوبی کشور به‌ویژه بوشهر، صورت گرفته است و هنوز هم ادامه دارد.

کلینیک تخصصی و فوق‌تخصصی بوشهر امسال به بهره‌برداری می‌رسد

ئیس دانشگاه علوم پزشکی بوشهر با بیان اینکه فاز نخست کلینیک تخصصی و فوق‌تخصصی بوشهر امسال به بهره‌برداری می‌رسد گفت: این پروژه در زمینی به مساحت شش هزار متر مربع در ۴ طبقه اکنون بیش از ۹۵ درصد پیشرفت فیزیکی دارد .

سعید کشمیری در گفت‌وگو با خبرنگار تسنیم در بوشهر با اشاره به ساخت و راه‌اندازی درمانگاه و کلینیک تخصصی در همه شهرستان‌های ۱۰ گانه استان بوشهر اظهار داشت: در مرکز استان بوشهر اکنون یک کلینیک تخصصی ایجاد شده ولی این مهم کم است و نیاز به فضا بیشتری بود که کلینیک تخصصی و فوق‌تخصصی توسط بخش خصوصی در حال اجرا است.

رئیس دانشگاه علوم پزشکی بوشهر با بیان اینکه ساختمان کلینیک تخصصی و فوق‌تخصصی بوشهر در مرحله نهایی است تصریح کرد: با راه‌اندازی این مرکز درمانی مشکل درمانی بسیاری از رشته‌های پزشکی برطرف می‌شود.

وی با بیان اینکه ساختمان کلینیک تخصصی و فوق‌تخصصی با مشارکت بخش خصوصی و دولتی در حال ساخت است افزود: این مرکز درمانی دارای ۴۰ اتاق است و بیش از ۱۰ نوع تخصص در این مرکز درمانی مستقر می‌شود.

رئیس سازمان نظام مهندسی ساختمان استان بوشهر
خدمات نظام مهندسی به تمام شهرهای استان بوشهر تعمیم داده شود

رئیس سازمان نظام مهندسی ساختمان در استان بوشهر نیز گفت: هیات مدیره دوره هشتم این سازمان بدون کمترین حاشیه ممکن توانست خدمات قابل توجهی به جامعه هدف سازمان ارائه کند.

به گزارش ایرنا، در آیین تکریم و معارفه اعضای هیات مدیره دوره هشتم و نهم سازمان نظام مهندسی ساختمان استان بوشهر سید سعید علم بلادی گفت: در طی سه سال گذشته سازمان نظام مهندسی ساختمان استان بوشهر دستاوردهای قابل توجهی داشت که از اهم آنها می توان تعامل با اداره مالیاتی و تسویه بیش از ۱۶ میلیارد تومان بدهی سازمان به اداره مالیاتی بود.

وی ادامه داد: سازمان نظام مهندسی ساختمان استان بوشهر در راستای شفاف سازی مالی در سه سال پیاپی به عنوان نخستین سازمان نظام مهندسی ساختمان در کشور اقدام به حسابرسی کرد که استقبال خوب مهندسان از این موضوع و نبود کمترین مشکل خاصی در روند بررسی اسناد مالی سازمان از مهم ترین دستاوردها در فرایند حسابرسی و ایجاد شفافیت در امور مالی سازمان بود.

علم بلادی اظهار کرد: در مبحث شیوع کرونا که از اواخر سال ۹۸ رخ داد علی رغم همه تهدیدها فرصتی شد تا حدود ۸۰ درصد از خدمات سازمان نظام مهندسی ساختمان این استان الکترونیکی و از مراجعه حضوری شهروندان و مهندسان به سازمان به میزان بسیار زیادی کاسته شود.

علم بلادی اظهارداشت: سازمان نظام مهندسی ساختمان استان بوشهر در حال حاضر حدود پنج هزار و ۷۰۰ نفر عضو دارد که در تعامل و رایزنی صورت گرفته با بانک های عامل پرداخت تسهیلات به ۲ هزار و ۵۰۰ نفر از اعضای سازمان محقق شد که براساس ارزیابی ها شمار دریافت کنندگان تسهیلات در این دوره نسبت به ادوار گذشته رشد پنج برابری تجربه کرده است.

رهایی ۱۹ فرد محکوم به قصاص در بوشهر

رئیس کل دادگستری استان بوشهر گفت: ۱۹ فقره پرونده قتل عمد در این استان که به قصاص نفس محکوم شده بودند از قصاص رهایی یافتند.

علی جمادی اظهار کرد: از ابتدای سال تاکنون تعداد ۱۹ فقره پرونده قتل عمد که به قصاص نفس محکوم شده بودند با تلاش و کوشش اعضای شورای حل اختلاف، معتمدین و پیگیری‌های مستمر در چندین جلسه به سازش ختم و از قصاص رهایی یافتند.

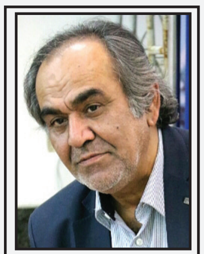
مادر دیلمی با اهدای اعضا به ۳ نفر نفس بخشید

مسئول مرکز فراهم آوری اعضای پیوندی دانشگاه علوم پزشکی استان بوشهر گفت: سه عضو اعضای بدن مادر جوان ۲۴ ساله دیلمی به بیماران نیازمند اهدا شد.

علیرضا باقری در گفت‌وگو با ایسنا اظهار کرد: زینب میرجهان‌مرد مادر جوان ۲۴ ساله بعد از به دنیا آوردن فرزندش با افت پلاکت شدید مواجه شد و علیرغم اعزام به شیراز و تلاش پزشکان متخصص در بوشهر و شیراز دچار مرگ مغزی شد. خانواده میرجهان‌مرد با این کار بزرگشان مانع از داغدار شدن مادرانی شدند که فرزند بیمارشان در انتظار دریافت عضو بودند.

مسئول مرکز فراهم آوری اعضای پیوندی دانشگاه علوم پزشکی استان بوشهر تصریح کرد: ۳ عضو اهدا شده شامل دو کلیه به آقایان ۴۶ ساله از شیراز و ۳۷ ساله از دیلم، و یک کبد به خانم ۳۴ ساله از تهران اهدا شد

کارت قرمز طارمی برای خطای نکرده



اسماعیل بهبهانی

این روزها و درآستانه برگزاری دو دیدار تیم ملی فوتبال ایران مقابل لبنان و سوریه ماجرای دعوت نشدن مهدی طارمی ستاره بوشهری تیم ملی و باشگاه پورتو پرتغال، نقل محافل فوتبالی و حتی غیرفوتبالی داخلی وخارجی شده است.

بسیاری از طرفداران فوتبال معتقدند که سرمربی بالاترین مقام تصمیم گیرنده یک تیم فوتبال است و حفظ احترام و شخصیت او برای بازیکنان واجب است. قبل از این هم بازیکنان بسیاری به دلایل مختلف از تیم های گوناگون کنار گذاشته شده اند اما ماجرای دراگان اسکوچیچ و مهدی طارمی با هیچ معیاری در ردیف موارد قبلی قرار نمی گیرد چون از طارمی هیچ تخلفی سرنزده که مستحق چنین عقوبتی باشد. سرمربی نظری درباره تاکتیک پذیری بازیکنان ایرانی داده و طارمی هم طی توئیتی نظر شخصی خودش را بیان کرده، بدون کوچکترین اهانتی یا حرفی که شائبه دخالت در کار سرمربی از آن برداشت شود.

اما چرا این اعلام نظر ساده باعث بروز چنین مشکلی شده است؟ برای رسیدن به جواب می توان ماجرا را از زاویه ای دیگر هم بررسی کرد؛ اسکوچیچ که پس از نتایج ضعیف و نومید کننده سرمربی سابق تیم ملی در دیدارهای مرحله اول انتخابی جام جهانی و توسط فدراسیون سابق فوتبال و البته بدون هیچ سابقه مربیگری ملی به عنوان سرمربی تیم ملی برگزیده شد با وجود نتایج خوبی که در ادامه دیدارهای مرحله اول و مرحله نهایی انتخابی کسب کرده است مورد توجه و اقبال بسیاری از کارشناسان و اهالی فوتبال و تعدادی از مربیان داخلی(به عنوان رقیب و جانشین او) نیست. آنها عقیده دارند که وزن بازیکنان فعلی تیم ملی که اغلب آنها به عنوان لژیونر در لیگ های معتبر اروپایی بازی می کنند بسیار بزرگتر و وزین تر از اسکوچیچ است و در نتایج بدست آمده اخیر سهم کمتری را برای او لحاظ می کنند.

فدراسیون عزیزی خادم هم که در ابتدای راه خود هست به این نظرات آگاهی کامل دارد. بعضی از اهالی فوتبال عقیده دارند که فدراسیون فوتبال بدنبال راهی است که با این سرمربی بدون رزومه ملی قطع همکاری نماید اما در شرایط فعلی و با توجه به نتایج مناسبی که تیم ملی گرفته است بهانه خوبی برای اقناع افکار عمومی در دست ندارند لذا با استفاده از این فرصت و دمیدن به موضوع و میدان دادن به اسکوچیچ برای دعوت نکردن از مهدی طارمی در عمل سرمربی را وادار کرده اند تا باب میل منتقدان عمل کرده و ناخواسته در زمین آنها بازی کند. تیمهای فوتبال لبنان و سوریه به عنوان تیم های درجه دوم آسیا بصورت معمول در حدی نیستند که برای فوتبال ما مشکلی ایجاد کنند اما در تاریخچه فوتبال ملی ایران نشان از شکست در برابر این دو تیم وجود دارد. حالا در نظر بگیرید که اگر خدای نکرده تیم ملی در این دیدارها شکست خورده و یا امتیازی از دست بدهد چه اتفاقی خواهد افتاد؟!

قابل پیش بینی است در این صورت افکار عمومی و هواداران فوتبال که از دعوت نشدن مهدی طارمی تحریک شده اند براحتی اخراج دراگان اسکوچیچ را خواهند پذیرفت و او توسط برنامه دقیق مخالفان خود "کله پا" خواهد شد و اگر تیم ملی برنده این دو دیدار باشد ماجرای اختلاف سرمربی و ستاره تیم ملی بعنوان پاشنه آشیل اسکوچیچ باقی خواهد ماند تا در وقت مناسب از آن استفاده شود.



روشنایی فانوس دریایی بوشهر، در یک عکس تاریخی

یاسین‌محمدی

این عکس نمونه خوبی است از آن چه که نیست بر آن چه که بود شهادت می‌دهد.

عبدالعزیز از طایفه بنی‌هاجر، ناخدا و دریانورد جفره‌ای، در سال ۱۲۴۲ شمسی، مناره ای برای فانوس دریایی در محله جفره در کنار عمارت کنسول‌گری آلمان برپا کرد که ۱۵ سال، شعله‌های آن راهنمای کشتی ها بود. هر سال شرکت کشتی رانی بخاری انگلیس و هند(BISN) ۲۴ حلب روغن نارگیل و ۶۰ تومان بابت نگهداری این فانوس پرداخت می کرد. فانوس دریایی عزیز، مناره ای ۱۰ متری بود که بعد از ۱۵ سال، از رده خارج شد و یک سال بعد، در سال ۱۲۵۸ شمسی، عزیز هم از دنیا رفت.

این فانوس دریایی به مناره عزیز مشهور بود و تا سال‌ها بعد هم بقایای ساختمان آن در محله جفره در کنار دریا، باقی بود.

به عکس برگردیم، این عکس را واسموس کنسول آلمان در سال ۱۲۹۱ شمسی از کنسول گری آلمان در جفره گرفته‌ست.

واسموس برای گرفتن عکس، روی مناره فانوس ۱۰ متری عزیز ایستاده، همین راهنمای خوبی ست که با تقریب دقیقی جای فانوس رو بشه جانمایی کرد. چون در اون‌محدوده ساختمان دیگه‌ای نبوده و نیست.

با ناخدا رسول غریبی در ساحل جفره بودیم و نقل همین فانوس بود. حاج رسول در کودکی باقیمانده بنای مناره را دیده بود، به دیوارها و بناهای پایگاه که نگاه کرد گفت نمی تونم دقیق نشونت بدم، از بس همه چیز تغییر کرده، بذار برم دم ساحل از روی آب نگاه کنم! رفت کنار آب ایستاد به دریا نگاه کرد بعد یک جایی در خشکی اشاره کرد که این جا بود. یعنی دریا را بهتر از خشکی می شناخت.

از گزارش های روزانه کنسول انگلستان در بوشهر و یادداشت های لوریمر، فلور و دیگران پی می بریم که کنسولگری عثمانی در سال ۱۲۹۰ شمسی به مدت یک سال دو چراغ روی دکل در کنار دریا نصب کرده بود.

کنسولگری روسیه به مدت یک سال چراغ گازسوزی روی دکل در محوطه خودش نصب کرده بود. در ارتفاع ۱۶ متری دکل کنسولگری انگلستان در محله کوتی هم دو چراغ سفید و قرمز رنگ نصب شده بود که روی دریا تا حوالی ۲۰ کیلومتر دیده می شد.

در سال ۱۳۱۹ شمسی هم یک مهندس ایتالیایی به سفارش دولت ایران یک فانوس دریایی در محله جفره ساخت که تا اوایل دهه ۵۰ برپا بود و به چراغ دولت مشهور بود.

بعد از اون نزدیک تل عاشقان هم یک چراغ نصب شد که تا اوایل دهه ۷۰ پابرجا بود.

اگر در نزدیک میدان هوایی پشت به دریا بایستید، دکل آنتن تلفن همراه در محدوده پایگاه تقریبا جای مناره عزیز نصب است و چراغ دولت تقریبا در سمت راست هتل پرواز فعلی بوده است.

با سپاس از محبت و راهنمایی ناخدا رسول غریبی، علیرضا مظفری زاده، و آثار کاکس، لوریمر، واسموس و فلور که در گذشته ما را ثبت و ضبط کرده اند.

عکس از کتاب بندر بوشهر(عکس های واسموس و هولتزر از بوشهر)گردآوری خانم ابراهیم زاده.

پسر بی‌رحمی در بوشهر " پدر و مادرش" را کشت

فرمانده انتظامی استان بوشهر از دستگیری قاتل ۳۸ ساله که در یک اقدام جنون‌آمیز پدر و مادر خود را در بوشهر به قتل رسانده بود خبر داد.

به گزارش خبرگزاری تسنیم از بوشهر، سردار حیدر سوسنی در جمع خبرنگاران با اشاره به وقوع قتل در عملیات جنون‌آمیز در بوشهر اظهار داشت: ظهر امروز در پی وقوع ۲ قتل عمد در یکی از محلات شهر بوشهر، بلافاصله مأموران انتظامی بوشهر و کارآگاهان پلیس آگاهی در محل حاضر شدند که با جسد غرق در خون یک مرد و زن مواجه شدند. با حضور در صحنه جرم مشاهده شد یک مرد و یک زن با اصابت چاقو به قتل رسیده و جسد خون‌آلود آنان در کوچه رها شده است.

فرمانده انتظامی استان بوشهر خاطر نشان کرد: کارآگاهان پلیس بوشهر کمتر از ۲ ساعت از وقوع قتل با تحقیقات ویژه پلیسی و اقدامات اطلاعاتی قاتل ۳۸ ساله را شناسایی و دستگیر و با هماهنگی قضائی به پلیس آگاهی منتقل کردند.

وی با اشاره به دستگیری عامل قتل تصریح کرد: قاتل پس از روبه‌رو شدن با مستندات موجود، در نهایت پرده از این جنایت هولناک برداشت و به بزه انتسابی اعتراف کرد. سوسنی اضافه کرد قاتل فرزند این مقتول بوده و به سبب اعتیاد به هروئین و اختلاف خانوادگی با پدر و مادر خود درگیر شده و پس از مقاومت آنان به این جنایت هولناک دست زد است.

اندیشه تابان فصل های تکرارناشدنی



جمیل رزمی: اولین نشست تخصصی کمیته های دوگانه (گردشگری و فرهنگی هنری) کانون بازنشستگان آموزش وپرورش بوشهر با حضور چهره های شاخص و صاحب نظر که از آنها به تعبیر زیبای "فصل های تکرارناشدنی" یاد می شود در سکوت کرونایی حاکم برتمامی نهادهای دولتی و غیره دولتی پس از دو سال در سالن جلسات خانه معلم برگزار گردید.

در این نشست که با مراسم با تلاوت آیاتی چند از کلام الله مجید توسط جناب گرگین آغاز شد، علی دباش رئیس کانون بازنشستگان آموزش و پرورش بوشهر ضمن خوشامد گویی به حاضرین در جلسه به ارائه گزارشی از فعالیت های کانون تا پیش از شرایط کرونا پرداخت. وی اجرای برنامه های جدید کانون را بر اساس آرا و پیشنهادات کمیته ها و تصویب آن دانست.

پس از آن مسئولین کمیته های دو گانه نیز گزارشهای خود را برای حاضرین در این نشست بیان کردند.

شیخ سقا مسئول کمیته گردشگری، سپس زاهدی بازرس کانون و در نهایت نهاری مسئول کمیته فرهنگی و هنری گزارش های خود را ارائه کردند و سپس ازصاحب نظران در جلسه درخواست شد تا پیشنهادات خود را مطرح نمایند.

ابتدا کنین در این نشست با ارائه پیشنهاد خوب خود مبنی بر برگزاری گردش های یک روزه و حتی نیم روزه با رعایت پروتکل های بهداشتی، خواستار تنوع بخشیدن به یک نواختی زندگی همکاران بازنشسته در این شرایط سخت شدند که مورد تائید اکثریت حاضرین قرار گرفت.

در ادامه دکتر مشایخ با بیان این که ثبت اتفاقات و رویدادهای مهم در تاریخ میراث گران بهای مکتوبی است که باعث ماندگاری فعالیت های کانون می شود خواستار جدیت در چاپ سفرنامه کانون شد و درخصوص چاپ کتاب ارزشمند سفرنامه سیاحتی کانون اظهارات جالبی را بیان کرد.

در ادامه این نشست خانم ها بحرینی، ملاح ، هوشمند و نهاری در مورد گروه موسیقی و آواز جمعی بانوان کانون بازنشستگان مطالب مفیدی را جهت حمایت هرچه بیشتر برای ادامه فعالیت های این گروه پرطراوت مطرح کردند.

در بخش های بعدی این جلسه عالی بازدار ، جعفر درائی، رستم یزدان پناه، گرگین، کاظم فرهنگ منش، خلیل موحد، ابراهیم گرمساری، مجید ابراهیمی و علی افشارنسب پیشنهادات شایسته و درخوری را جهت رونق بخشی، پویایی و تداوم حیات کانون بازنشستگان بوشهر ارائه کردند که مورد توجه قرار گرفت.

حاشیه جلسه :

* کانون بازنشستگان آموزش و پرورش بوشهر از جمله کانون های پیشرو درخدمت رسانی به فصل های بی تکرار فرهیخته جامعه می باشد .
* سرایش شعر زیبای مرحوم قیصرامین پور توسط اکبر نهاری بمناسبت سال کوچ این شاعر مانا مورد توجه حضار قرار گرفت.
* در این جلسه یاد و نام همکاران عزیزی که همواره یادشان زینت بخش محافل فرهنگیان است و به تازگی دارفانی را وداع کرده اند را گرامی داشتند.
* دراین نشست مسائل، مشکلات و برنامه های کانون توسط کارشناسان کمیته های دو گانه مورد ارزیابی و آسیب شناسی قرارگرفت تا از نتایج حاصله بهره برداری شود.
* این نشست بهانه خوبی بود برای دیداردوباره یاران و همکاران سال های دور.

موانع تاریخی توسعه بوشهر در دوران معاصر(۸)

موانع بیرونی توسعه بوشهر



دکتر حمید اسدپور

عوامل و موانع بیرونی توسعه بوشهر را می توان چینن برشمرد:

۱- بحران های سیاسی و نظامی: بندر بوشهر و استان بوشهر در طی دو جنگ جهانی اول و دوم متحمل آسیب ها و خسارت های فراوان شدند. اقدام انگلیسی ها در اشغال بوشهر و نقض بی طرفی ایران در هر دو جنگ جهانی باعث ظهورشرایط نابسامان و متلاطم در این منطقه شد. پیامدهای اجتماعی و اقتصادی این شرایط که علل و عوامل آن خارج از ایران شکل گرفته بود آن چنان که بایسته است مورد توجه مورخان و جامعه شناسان قرار نگرفته است. به طور مثال تشکیل پلیس جنوب ایران و پیامدهای آن یکی از قضایای مهم در این رابطه است، انگلیسی ها بهانه تشکیل پلیس جنوب ایران را ناامنی و ناتوانی دولت ایران در برقراری نظم و امنیت قلمداد می کردند. دولت انگلیس در ۱۲ شوال ۱۳۲۸ قمری یادداشت شدیداللحنی برای دولت ایران ارسال کرد و در آن سه ماه فرصت داد تا دولت ایران به اعاده نظم و امنیت در راه بوشهر و شیراز بپردازد. (بریتانیا،۱۳۶۲-۱۹۴۸،۴:۱۳۶۹) در بخش پیشین در این خصوص نکاتی مطرح شد و اینک از تکرار آن خودداری می کنیم ولی شناخت پیامدهای این دو جنگ جهانی در بوشهر از یکسو و تحولات اجتماعی ناحیه از سوی دیگر بسیار ضروری و لازم است. در این بخش ما به جنگ جهانی اول و دوم و پیامدهای آن در بوشهر به عنوان عوامل بیرونی نظر انداخته ایم.

۲- سیاست های دولت های ایران: منظور از دولت های ایران در این بخش همانا کابینه ها و هیات وزیرانی است که بعد از مشروطیت در ایران برسر کار آمدند و به عنوان دولت مرکزی ایران و از تهران به اداره کشور و رتق و فتق امور آن پرداختند.یکی از موانع مهم بیرونی توسعه بوشهر، سیاست های دولت های مرکزی ایران بوده است. سیاست های پهلوی اول و کابینه هایی که در آن عهد برسرکار آمدند در جهت تقویت خوزستان بود. اهمیت خوزستان از جهت وجود منابع و پالایشگاه و مرکز صادرات نفت از یک سو و اتصال راه آهن به بنادر خوزستان از سوی دیگر باعث تضعیف اقتصاد و اجتماع بوشهر شد.یکی از عوامل اساسی موثر در مهاجرت تجار از بوشهر در آن دوره جذابیت بنادر خوزستان بود. فقدان دسترسی بوشهر به شبکه راه آهن از نتایج سیاست های نامتوازن دولت های مرکزی ایران در توسعه خطوط ریلی بشمار می رود. عدم سرمایه گذاری صنعتی و اقتصادی دولت در بوشهر یکی دیگر از مواردی است که نقش دولت در عدم توسعه بوشهر را نشان می دهد. عدم سرمایه گذاری دولت در این خصوص تنها محدود به شهر بوشهر نمی گردد بلکه شامل تمام نواحی کرانه ای و پس کرانه ای خلیج فارس می شود. ارسنجانی وزیر کشاورزی ایران در عصر اصلاحات ارضی در طی یک سخنرانی در تهران ضمن اشاره به اوضاع نامساعد مناطق جنوبی و ساحلی کشور و ضرورت توجه دولت به آن چنین می گوید: کسانی که مدعی حقوق بشر هستند باید به جنوب ایران سفر کنند و ببیند مردم با چه سختی و مشقت زندگی می کنند.(کیهان،۱۳۴۲) همین عامل بیرونی سبب شده که شهرها و بنادر ایرانی کرانه های خلیج فارس در زمره شهرهای درجه دو و سه مطرح باشند.آقای احمد خرم که مدتی نیز وزیر راه و ترابری ایران بعد از انقلاب اسلامی بوده در این خصوص می گوید: طرح آمایش سرزمین را در سال ۱۳۵۲ شرکت ستیران فرانسه انجام داد. افق آن ۲۵ ساله بود جمعیت ایران در سال ۱۳۷۸ را پنجاه میلیون نفر پیش بینی کرده و قرار بود که ۲۵ میلیون نفردر سواحل شمالی خلیج فارس مستقرشوند.(ایرنا. خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران) در حالی که در حال حاضر مجموع جمعیت سه استان خوزستان، بوشهر و هرمزگان به هشت میلیون نفر نیز نمی رسد.در حال حاضر توزیع مناسب جمعیتی در مناطق جنوبی کشور به لحاظ عدم توزیع مناسب فعالیت در منطقه صورت نگرفته است، خصوصا در استان بوشهر و هرمزگان از جذب جمعیتی مناسبی برخوردار نیستند.(رجایی عباس ،۱۳۹۴،۹۱)

۳- دورافتادگی جغرافیایی از پایتخت ایران: یکی از موانع توسعه بوشهر و عدم توجه دولت به بوشهر همانا دوری جغرافیایی از مرکز ایران است بوشهر درحاشیه فلات ایران واقع شده و تهران در درون آن جای دارد. نگاهی به فهرست استان های محروم ایران نشان می دهد که نسبت مستقیمی بین محرومیت این استانها و دور افتادگی آنها از پایتخت برقرار است.استانهای بوشهر هرمزگان سیستان و بلوچستان خراسان جنوبی کرمان و کردستان از جمله استان هایی هستند که به علت دوری از مرکز مورد توجه برنامه ریزان و مقامات تصمیم گیر قرار نگرفته اند. عدم توازن در رشد و توسعه مناطق و استاهای ایران امری غیرقابل انکار است، این عدم توازن نتیجه عوامل متعددی است که یکی از آن ها همانا دورافتادگی جغرافیایی از مرکز کشور است. در سال ۱۳۴۲ وزارت کشور قانونی را تصویب کرد با این مضمون که: چون شهرستان ها و بنادر و جزایر جنوب ایران به علت دوری از مرکز تا کنون از برنامه های عمران و آبادی کشورآن طور که لازمه آن و مقتضای زمان و سیاست عمومی کشور بود استفاده ننموده و توجه به این مناطق از لحاظ عمران و آبادی و توسعه فرهنگ و بهداشت و بالا بردن سطح زندگی عمومی و رشد ملی وجهه همه دولت و از مسایل اساسی مورد توجه است. (پیک خجسته۱۳۴۲/۱۰/۲۳)

۴- عدم حضور و نفوذ بوشهری ها در ترکیب کابیه ها و دولت های ایران.یکی از علل توجه و سرمایه گذاری دولتها در ایران در مناطق و نواحی گوناگون کشور همانا نفوذ افراد و یاگروه های سیاسی و قومی است. این امر حتی در پدیده ای همچون تقسیمات کشوری به وضوح خود را نشان می دهد. بررسی ها نشان می دهد که رخنه ونفوذ عوامل غیر رسمی و فراقانونی به واسطه نفوذ در هرم ساختار قدرت و هم چنین وجود نیروهای پنهان به واسطه نفوذ و اقتدار که فرصت مانور در تصمیم گیری های حکومتی را دارند، نقش بسزایی دارند(احمدی پور زهرا و دیگران،۲۶،۱۳۸۶). این رخنه و نفوذ افراد و گروه های مقتد محدود به موضوع تقسیمات کشوری وترسیم مرزهای استانها و شهرستانها نشده بلکه در موضوع مهمی همچون تخصیص اعتبارات و بودجه ها و سرمایه گذاری های کلان نیز وجود دارد و این خود صد البته نشانه توسعه نیافتگی است. در حال حاضرنظام حکومتی متمرکز وتقسیمات استانی برخاسته از آن به عنوان عامل اصلی یا حداقل یکی از منابع اصلی کمتر توسعه یافتگی کورد حمله است(همان).در طول سالهای پس از مشروطیت و در تمام کاینه های تشکیل شده پس از آن سهم استان بوشهر تنها یک وزیر بوده است. مهندس جواد بوشهری وزیر راه کابینه اول مرحوم دکتر محمد مصدق.(معزی فاطمه ،همان) بعد از آن هیچ بوشهری به مقام وزارت و یا ریاست سازمانهای مهمی چون سازمان برنامه و بودجه نرسیده اند و این خود بطور بالقوه یکی از عوامل موثر بر عدم توسعه استان از یکسو و بندر بوشهر از سوی دیگر است.بدون شک یکی از علل توجه دولتها در ایران به استانها و نواحی گوناگون وجود افراد و گروه های متنفذ در ساختار قدرت و دولت است و استان بوشهر از این جهت هم دچار محرومیت بوده است.

۵- برخورداری و توسعه یافتگی استانهای همجوار: یکی از عوامل مهم ولی پنهان در عدم توسعه بوشهرکه به عنوان یک متغیر بیرونی نقش موثری ایفا می کند همانا همجواری استان بوشهر با استانهای همجوار همچون فارس و خوزستان و با یک واسطه استان اصفهان و تا حدودی استان هرمزگان است. برخورداری و میزان رشد و توسعه این استانها یکی از دلایل مهاجرت مردم استان بوشهر و از جمله اهالی شهر بوشهر اعم از نخبگان اقتصادی، سیاسی، تجاری، علمی و فرهنگی و نیز سایر اقشار اجتماعی است. مهاجرت لایه های گوناگون اجتماعی از بوشهر به مناطق همجوار در دو دهه اخیر افزایش یافته است. شیراز و اصفهان مقاصد اصلی بسیاری از این مهاجرین بوشهری هستند. یکی از دلایل عمده این جابجایی و مهاجرت های مستمر جمعیتی همانا برخوداری این کانون های جذب مهاجرین است. البته آب و هوا و شرایط اقلیمی نیز در این جابجایی ها بدون تاثیر نمی باشد ولی علت اصلی در واقع توسعه یافتگی، برخورداری و وجود دسترسی های بیشتر به انواع خدمات است. به طور مثال در سال های پس از پایان جنگ عراق علیه ایران و تاسیس منطقه آزاد تجاری در خرمشهر برخی از تجار بوشهری به منظور برخورداری از تسهیلات و شرایط قانونی مساعد برای بازرگانی عازم خرمشهر شدند. میزان مناسب و در خور توجه تخفیف در تعرفه های گمرکی و افزایش سود بازرگانان از جمله عواملی بود که تجار برای رفتن به خرمشهر در این سالها تشویق می کرد. هم چنین بخشی از تجار به دلیل فرصت های بیشتر و بهتر عازم کانون های تجاری هرمزگان مثل جزیره کیش، قشم و شهر بندرعباس شدند.

ایده نهایی و پیشنهاد کلیدی این تحقیق آن است که توسعه بوشهر محقق نخواهد شد مگر آنکه جامعه تجاری در بوشهر مجددا احیا شود تا از طریق نقش آفرینی این گروه اجتماعی بندر بوشهر دوباره به رو نق و توسعه نایل شود و این مهم نیز محقق نمیگردد مگر اینکه موانع تاریخی موجود بر سر راه احیای جامعه تجاری بوشهر برطرف شود

شیراز و اصفهان و حتی تهران نیز به علل گوناگون و از جمله شرایط مناسب آب و هوایی، وجود طیف گسترده ای از امکانات و خدمات در دسترس مقصد برخی دیگر از اقشار اجتماعی شد و بدین ترتیب رشد و توسعه یافتگی استانهای همجوار به عامل خروج سرمایه های انسانی و اقتصادی بوشهر مبدل گشت. اگر یک پژوهش دقیق و جامع از لحاظ جامعه شناختی و اقتصادی صورت پذیرد نشان خواهد که جمعیت بوشهری های ساکن تهران و یا شیراز از کدام پایگاه و خاستگاه اجتماعی برخوردار بوده و چه نقشی در اقتصاد مراکز مورد نظر داشته اند. برای نمونه این مطالعه احتمالی نشان خواهد داد چند درصد از املاک و ساختمان های مسکونی و تجاری شهر شیراز به مهاجران بوشهری اختصاص دارد.هر پند امروزه آمار دقیقی در دست نیست اما براساس حدسیات و شواهد میدانی می توان تخمین زد که از هر ده خانواده بوشهر چهار خانواده در شیراز صاحب املاک هستند. به هر صورت این پدیده نتایج منفی در اقتصاد و اجتماع بوشهر و از نظر این پژوهش یکی از موانع توسعه بوشهر به شمار می آید..

نتیجه :

بوشهراز ابتدای بنیاد آن در عهد نادرشاه افشار که حتی بدین علت مدتی هم بندر مبارکه نادریه خوانده شد تا اواسط قرن بیستم میلادی به عنوان بزرگترین بندر ایران در خلیج فارس و نیز دروازه ورود مدرنیته و مظاهر مدرنیسم به جنوب ایران مطرح بود. در نیمه دوم قرن بیستم بوشهر از توسعه باز ماند و رفته رفته به شهری محروم مبدل گشت. علل و زمینه های توسعه نیافتگی بوشهر در هفتاد سال گذشته از ماهیتی تاریخی برخوردار است. به سخن دیگر موانع توسعه بوشهر در طی یک روند تاریخی شکل گرفته و ظاهر شده اند و محصول یک برنامه و سیاست یک روزه نیستند. برای رفع محرومیت بوشهر و سوق دادن آن به سوی توسعه بایستی موانع موجود را شناخت و مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. این مقاله در پی تشریح و تبیین موانع موجود بر سرراه توسعه بوشهر از دیدگاه و منظر تاریخی است. بدیهی است که این پدیده یعنی موانع توسعه بوشهر پدیده ای جند وجهی است و می توان آن را از وایای گوناگون مورد بررسی قرار داد.

موانع توسعه بوشهر بر دو دسته کلی قابل تقسیم هستند. الف: موانع بیرونی و ب: موانع درونی.

مراد از موانع درونی آن دسته از عوامل و زمینه هایی هستند که در درون شهر و استان باعث عقب ماندگی محرومیت شده و جامعه را از رسیدن به توسعه باز داشته است. منظور از عوامل بیرونی نیز آن دسته از علل و زمینه هایی است که از خارج استان برشهر تحمیل شده و عملا مانع توسعه شهر و استان بوشهر شده است. این تقسیم بندی بسیار مهم وکاربردی است.

در بین موانع تاریخی مهمی که بر سرراه توسعه بوشهر قرار دارد می توان به ضعف و انحطاط جامعه تجاری بوشهر اشاره نمود. چگونگی تضعیف و انحطاط جامعه تجاری بوشهر در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفت و تحلیل شد. تحولاتی که بعد از انقلاب مشروطیت رخداد و با بروز جنگ های اول و دوم جهانی تشدید شد از زمینه های مهم تضعیف جامعه تجاری بوشهر بود. در واقع شکوفایی بوشهر در دوران طلایی خویش مدیون حضور تجار و وجود جامعه تجاری قدرتمند آن بود و تنزل آن در نیمه دوم قرن بیستم نتیجه خروج و مهاجرت تجار از آن بود. گذر از از دوران اوج بوشهر به دوران تنزل نتیجه همان تحولات سیاسی و اقتصادی داخلی و خارجی بود که در طی مقاله مفصلا بدان پرداخته شده است. بر این اساس باید گفت یکی از عوامل توسعه نیافتگی بوشهر و عدم احیای جایگاه تاریخی آن همان تداوم ضعف و انحطاط جامعه تجاری بوشهر است. بنابراین احیای جامعه تجاری بوشهر رمز ترقی دوباره بوشهر و توسعه آن خواهد بود زیرا بوشهر بنابر موقعیت جغرافیایی و اقلیمی خود بایستی بر مبنای اقتصاد دریایی و تجارت آزاد سازماندهی شده و اداره گردد. ارکان اصلی اقتصاد بوشهر تجارت و دریانوردی است، دریانوردی شامل صیادی و دریانوردی تجاری می باشد. این هر دو رکن باید احیا شده و از شرایط و کیفیت سنتی خارج گردد تا قادر به ایفای نقش تاریخی خود در اقتصاد بوشهر شود. احیای تجارت در بوشهر و احیای جامعه تجاری آن نوید بخش بازگشت دوران طلایی و درخشان این بندر تاریخی بشمار می رود.

با توجه به رشد و پیشرفت فناوری ها و رشد شاخص های عمومی انتظار می رودکه سرمایه گذاری ها در بوشهر دارای جهت و هدف باشد و این هدف و جهت جز احیا جایگاه درخشان بوشهر با توجه به ملاحظات امروزی و ضروری نمی تواند باشد. پیشنهاد این پژوهش به عنایت به یافته های آن عبارت است از ضرورت احیای تجارت و جامعه تجاری بوشهراز طریق رفع موانع تاریخی توسعه آن است. ایده نهایی و پیشنهاد کلیدی این تحقیق آن است که توسعه بوشهر محقق نخواهد شد مگر آن که جامعه تجاری در بوشهر مجددا احیا شود تا از طریق نقش آفرینی این گروه اجتماعی بندر بوشهر دوباره به رونق و توسعه نایل شود و این مهم نیز محقق نمی گردد مگر این که موانع تاریخی موجود بر سر راه احیای جامعه تجاری بوشهر برطرف شود.

معماری بومی بافت تاریخی بندر بوشهر

معصومه احمدپور بوشهری – مدرس دانشگاه پیام نور بوشهر



مقدمه: تاثیرات ناشی از اقلیم مهمترین عامل برنحوه شکل گیری معماری بومی استان بوشهر می باشد. بناهای قدیمی در این منطقه که امروزه در قسمتهای شمال استان تا حدود مرکزی که بافت قدیم بوشهر می باشد در این استان باقی مانده است، گوشه ای از هنر معماری بومی را نمایش می دهد. بوشهر تحت تأثیر مسائل اقتصادی که مربوط به بندری بودن این استان است همواره یکی این استانهای قابل توجه با معماری بومی خاص منطقه ای می باشد و این امر در شکل گیری و دگرگونی معماری اصیل این استان در سال های جاری بی تاثیر نبوده است معماری بومی بوشهر شامل شکل گیری و نحوه ساماندهی فضاها همچنین الگوهای استفاده شده در تزئینات و نماها، بدنه سازی ساختمان ها و... می باشد در این منطقه بیشتر از بالکن های چوبی (شناشیل) استفاده می کنند این بالکن ها به جهت استفاده از فضای آزاد،کوران هوا و در عین حال جهت سایه اندازی روی گذر ها شکل گرفته است.

اختلاف درجه حرارت هوای روز و شب

به دلیل بالا بودن میزان رطوبت هوا در تمام فصول سال اختلاف درجه حرارت هوا بین روز و شب در فصل های مختلف اندک است. همچنین به علت اختلاف های سطح دریا و خشکی، نسیم های دریا و خشکی به وجود می آیند که تنها به نوار باریک ساحلی محدود می شود. هوا در مناطق داخلی آرام و سرعت باد (در صورت وزش) بسیار کم است.

رطوبت بسیار زیاد هوا

میزان رطوبت هوا در این حوزه ی اقلیمی به شدت بالا بوده و حداکثر رطوبت نسبی به ۷۰ درصد می رسد. این امر ناشی از مجاورت با دریا ، تابش تقریبا عمودی آفتاب در فصول بهار و تابستانو افزایش میزان تبخیر آب در منطقه است. رطوبت بسیار زیاد هوا در سواحل جنوبی به همراه گرما و حرارت بسیار زیاد آن باعث ایجادهای شرجی در اغلب فصول سال می گردد که بسیار طاقت فرساست. با دور شدن از ساحل دریا و نیز در ارتفاعات رطوبت هوا کاهش می یابد به طوری که در فاصله ی ۲۰ کیلومتری از ساحل با تغییر اقلیم و آب و هوای گرم و خشک کویری و یا اقلیم کوهپایه ای مواجه می شویم.

میزان بارندگی سالانه بسیار اندک

بارندگی در این اقلیم بسیار اندک و باران اغلب به صورت بارندگی فصلی در پاییز و به ویژه در زمستان می بارد و اغلب نیز سیل آسا می باشد. به دلیل آهکی بودن خاک این نواحی و فقدان پوشش گیاهی آب باران به داخل زمین نفوذ نمی کند، به همین دلیل به هنگام بارندگی حتی به میزان اندک سیل جاری می شود. این مشکل به دلیل نبود سیل بندها و کانال های عبور آب کافی حادتر شده و آب شیرین ارزشمند به صورت سیل وارد دریا می شود.

شور بودن آبهای زیر زمینی

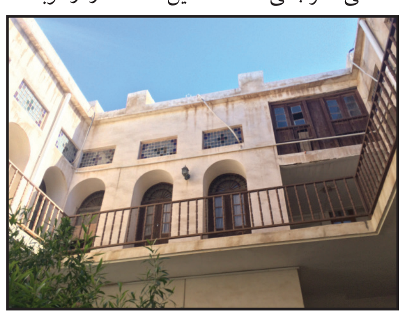
از ویژگی های اقلیمی این منطقه و مشکلات اهالی آن شور بودن آبهای زیر زمینی و کمبود آب شیرین و آشامیدنی و عدم تامین سیل بندها و کانال های مناسب عبور آب برای جمع آوری آب شیرین حاصل از بارندگی است. در پی این مشکل روستاها و آبادی ها در هر محلی که آبهای زیر زمینی شیرین یافت شود استقرار می یابند و حتی آب شیرین این مناطق به سایر روستاها و شهرها نیز منتقل می گردد. برای مثال ، بندر چابهار فاقد منابع آب شیرین است و آب مورد نیاز آن از چاه های آب شیرین بسیار محدود اطراف و با تانکر به منطقه فرستاده می شود. اهالی روستاهای فاقد آب شیرین به سختی معیشت می کنند و فقط به دامداری و گاهی ماهی گیری می پردازند.

فرم بنا در اقلیم گرم و مرطوب بوشهر

خانه های قدیمی استان بوشهر به صورت یک یا دو طبقه به بالا ساخته می شده اند که خانه های بزرگتر و با تعداد طبقات بالا متعلق به توانگران بوده و این مکان را برای آنان ایجاد می کرده که بتوانند با ایجاد فضاهای بیشتر استفاده های متنوع تر به جهت کاربردی داشته باشند. در اقلب خانه های قدیمی چند طبقه از طبقه همکف برای انباری، آشپزخانه، سرویس بهداشتی و حوض آب استفاده می شده و طبقات بالاتر نیز جهت سکونت مورد استفاده قرار می گرفته. استفاده از بازشوها با تزئینات متفاوت و ارتباط مناسبی که نماها و اتصالات بادیگر بناها دارند از ویژگی های معماری خاص بوشهر می باشد.

مصالح ساختمانی به کار رفته در قدیم

مصالح ساختمان بومی منطقه است، سنگها از نوع سنگ اسفنجی می باشد که از ساحل دریا کنده شده است این سنگها دارای منفوذ بوده فوق العاده در برابر گرما و رطوبت بوشهر مقاوم هستند، ملاط به کار رفته در ساختمان های قدیمی استان بوشهر گچ مي باشد، در طبقاتی که زیر زمین وجود دارد معمولاً برای آب انبار از آن استفاده می شده است. پی خانه از ساروج استفاده شده است پوشش سقف از چوب صندل یا چندل است که از کشور زنگبار (تانزانیا) توسط کشتی ها وارد می شده است روی چوبهای صندل پوششی از بوریا است سپس روی آن کاه گِل اندود می کرده اند، در اتاقها از جنس چوب سَاج بوده است که از کشور هند وارد می شده است، این چوبها در مقابل رطوبت و گرما مقاوم هستند و پوشیده نمی شوند. مهم ترین و اساسی ترین نوع مصالح بومی بوشهر، سنگهای آهکی (مرجانی) هستند. این سنگ از رسوبات



دریایی فراهم شده و در میان لایه های آن آثاری ازگیاهان، جانداران و مخصوصاً گوش ماهی به فراوانی یافت می شود. این سنگ های آهکی، درشت دانه می باشند. با توجه به طبیعت دریاییشان در محیط رطوبتی به خوبی کار می کنند.

عناصر شاخص معماری

گذشته از نوع و فرم شکل گرفته در بوشهر که می توان در گستره اقلیم جنوب مشاهده کرد فضاها و عناصر وابسته به معماری موجود در ساختمانهای بوشهر از منظر زیباشناشی و هم از نظر عملکردی ارزشهای ویژه ای به معماری بومی می دهد که خاص این منطقه می باشد و می توان آن ها را متأثر از عوامل فرهنگی و مذهبی، شرایط اقتصادی، تکنیک های ساخت و مصالح مورد استفاده از بناها، مصالح بومی و... دانست.

برخی از این عناصر که هر یک از آنها را می توان جزئی از معماری بومی این منطقه دانست و در عین حال در ساماندهی و شکل گیری هویت معماری بومی بوشهر نقش مهمی دارند، به صورت زیر بیان می گردد.

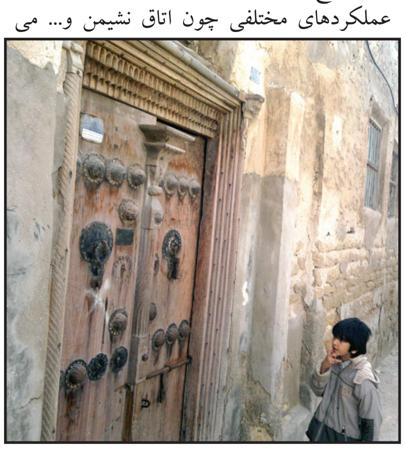
الف- ورودی: بررسی های صورت گرفته در بافت و بناهای بوشهر نشان می دهد که ورودی در این منطقه بسیار مهم می باشد و بیشتر ورودی ها از تزئینات خاصی برخوردار بوده اند و در برخی تزئینات بسیار پرکار و در برخی دیگر سادگی به عنوان ویژگی بومی معماری آن منطقه شناخته شده است. مسیر ورودی (ارتباط بیرون با داخل) بناها با توجه به عناصر موجود در خانه و نیز تعداد طبقات و نحوه شکل گیری فضایی دارای اشکال متفاوتی است ولی اغلب مسیر ورودی به صورت ساده و مستقیم می باشد، همچنین در قدیم برای روشن نمدن فضای ورودی از فانوس به هنگام شب برای روشن نمودن ورودی خانه، بخشی از مسیر را نیز روشن می کردند.



ب- درب: درب ورودی از عناصر معماری می باشد و علاوه بر کنترل ارتباطی میان درون بیرون بنا، دارای ویژگی های زیبایی شناسانه نیز دارند. دربهای قدیم از چوب ساج و با نقوش هندسی و گل بوته بوده است، از جمله تزئینات موجود بر روی درب، منبت کاری، فلزکاری و عناصری مانند کوبه (برای مردان) و حلقه (برای زنان) با اشکال و تزئینات خاص خود بر روی درب مورد استفاده قرار می گرفته است. قفل های کلونی که از فلز ساخته می شدند از دیگر موارد تزئینی کاربردی می باشد که بر روی دربهای قدیم استفاده می شده است.

ج- حیاط مرکزی: یکی از عناصر مهم بافت قدیم بوشهر حیاط مرکزی است که حیاط در وسط و اتاقها گرد آن هستند این حیاط ها دارای ویژگیهایی هستند، اول این که ابعاد این حیاط خیلی وسیع نیست ودلیل این امر ایجاد حداکثر سایه در آن می باشد ثانیاً دورتا دور حیاط مرکزی رواق قرار دارد که واسطه بین حیاط و بنا می باشد این رواق که در طبقه پایین نقش سایبان را بازی می کند برای طبقات بالایی فضایی ایجاد می نماید که حیاط مرکزی را به آن قابل استفاده می کند از عناصر تشکیل دهنده این حیاط می توان به باغچه، حوض آب و چاه آب اشاره نمود در بعضی از حیاط ها برای سایه اندازی استفاده شده است.

ح- اتاقها: اتاقها معمولاً در طبقات بالایی و یا در جهت هایی از حیاط به صورت چند دری (سه دری، پنج دری و ...) ساخته می شوند که دارای عملکردهای مختلفی چون اتاق نشیمن و... می



باشند، کف انواع اتاقها نیز به تناسب توانگری مالکین از انواع بوریا و یا تخته پوشانده می شده است.

د- ایوان: ایوان به نام طارمه شناخته میشود که به اشکال ساده و بصورت شکلی بوده، در ایوان با دهانه های کوچک بخاطر امکان پوشش سقف با تیر های حمال، ستونی قرار نمیگیرد ولی اگر دهانه ها ابعاد بزرگتری داشته باشند در مقابل ایوان از چند ستون استفاده می شود.

ه- شناشیل: شناشیل در اغلب بناهای بوشهر مورد استفاده قرار میگیرد و معمولا دربناها و درطبقات بالا و مشرف به حیاط و به عنوان رابط فضاهای مختلف می باشد و از آن می توان معبری بدون ورود به اتاقها استفاده کرد(شناشیل) بصورت مسقف و بی سقف ساخته می شود و دارای پوشش چوبی می باشد ابعاد شناشیل ازحداقل۲ متر تا ابعاد بالاتر متفاوت است و دارای شکل مستطیلی شکل خیلی کشیده می باشد که باتوجه موقعیت قرارگیری آن در بیرون و یا داخل شکلهای مختلفی دارد.ابعاد شناشیل از دو یا سه متر تا حدود بیست متر، در تغییر است. شکل آن نیز مستطیلی خیلی کشیده است و بنابر موقعیت قرار گیِری آن در بیرون و داخل شکلی ترکیبی (معمولاً) دارد. شناشیل در یک یا دو طرف جبهه بیرونی و در یک تا چهار جبهه داخلی قرار گرفته است. کاربرد چوبهای چهار تراش، نرده (معجر) چوبی و فلزی زیبا، کرکری‌های پرکار، استفاده از کُلپاهای چوبی و فلزی پرکار، گلهای چوبی آویزان در زیر آن زیبایی خاص به آن داده‌اند.

مجتمع های زیستی در امتداد ساحل و استفاده از بادگیر

۱- در حوزه ی اقلیمی گرم و مرطوب سواحل جنوبی ایران در نواحی نزدیک به دریا برای استفاده از نسیم خنک دریا از بادگیرها استفاده می شود. این بادگیرها بلند و رو به دریا هستند تا حداکثر بهره را از بادهای بلند ببرند.

۲- اکثر بناهای این منطقه دارای بادگیر هستند. بادگیرها در مناطق نزدیک به دریا بزرگ و در مناطق دور از دریا که تاثیر نسیم کاهش می یابد، کوچک و کوتاه می باشند. در بسیاری از مناطق هم بادگیرها به کلی حذف می شوند.

گسترش رو به دریا

در جهت تعدیل درجه حرارت هوا و جلوگیری از طوفان های شدید می بایستی از دو عامل تعیین کننده ی سایه و جریان هوا بهترین استفاده صورت پذیرد. لذا در جهت رسیدن به شرایط بهتر زیستی شهر، کوچه ها و معابر در امتداد دریا به شکل باریک و کم عرض طراحی می گردند. این نوع طراحی نه تنها جریان باد را در مسیرها کنترل می کند بلکه با ایجاد سایه ی گسترده ی دیوارهای بلند بناها بر کوچه در تعدیل درجه حرارت مؤثر واقع خواهد شد.

نتیجه گیری

بافت تاریخی بوشهر دارای کاربری های متنوعی است. بخش مسکونی بیشترین سهم را در بین کل کاربری ها دارد. قطعات مسکونی اغلب در قسمت های داخلی بافت قرار داشته و محلات را تشکیل می دهند. در برخی موارد این کاربری ها علاوه بر این که به عنوان فضای مسکونی استفاده می شوند، دارای کاربری هایی مانند تجاری و خدماتی نیز می باشند که به عنوان کاربری های مختلط مسکونی مشخص شده اند. کاربری های مذهبی در قسمتهای مختلف محلات بافت و در همجواری های فضاهای مسکونی واقع شده اند. این فضاها بیشتر در قسمتهای داخلی بافت و درون محلات قرار دارند، هرچند که برخی از آن ها در لبه ها نیز واقع هستند.

- منابع و ماخذ:
۱. اخترکاوان، مهدی ، ۱۳۷۹، تنظیم شرایط وهمسازی با بوم اقلیم ایران (اقلیم، معماری و انرژی) ،ص ۱۰۴،۱۰۳،۱۰۲
۲. قبادیان، وحید ،۱۳۷۸،بررسی اقلیمی ابنیه سنتی ایران ،ص ۸۲
۳. معماریان.غلامحسین/ آشنایی با معماری مسکونی ایرانی، گونه شناسی درونگرا.

شیفه و اونبار بوشهری‌ها



ابراهیم بشکانی

ستاره سهیل هر ساله حدود پانزده شهریور ماه در یمن طلوع می کند، سپس بیستم در بوشهر از بلندی های قلعه ریشهر قابل رؤیت می باشد، و پس از عالمگیر شدن، در فارس و جنوب ایران در ارتفاع پائین دیده می شود، و بگفته قدیمی ها در این زمان تکِ هوا می شکنه و هوا رو به خنکی می ره، این ستارَه، قطری ۷۰ برابر و درخشندگی ۱۳۰۰۰ برابر و جرمی۸ تا ۹ برابر خورشید دارد. معروف است که میگن: "سهیل که زد آندریمن / بند قبات سفت ببند".

یعنی مواظب باش دو هوا نشوی و سرما نخوری، چون اول پائیز مریضی فصلی و سرماخوردگی زیاد می شود. در این مواقع مردم بوشهر کم‌کم شروع می کردند به درست کردن ناودانها و شیفه (که ازجنس سفال یا چوب بود یا پارچه ای از متقال کلفت) در صورت سفال یا چوبی بودن شیفه، آن را از پشت بام تا کف حیاط روی دیوار نصب می کردند سپس کف حیاط سکویی ده الی پانزده سانت ارتفاع، زیرشیفه ساخته می شد که وسطش خالی و بوسیله کانالی زیرزمینی وصل می شد به آب انبار، در خونه هایی که این کانال هدایت آب نداشت شیفه پارچه ای آب را تا آب انبار هدایت می کرد. از دیگر کارهای آن موقع تمیز کردن پشت بام و رُوفتن (لایروبی) آب انبار ازگل و لای سالهای قبل بود که همراه بارون از پشت بام وارد آن شده بود. اوایل آبان ماه یه روز صبح که لکه های ابر سیاه رنگی از طرف قبله بالا میومد و بوی بارون به مشام می رسید، مادرم رو به پدرم کرد و گفت: سی کن هوا ابرُلاهی شده و داره نو کهنش می کنه و ای خدا بخواد شاید بارون بیاد، پاشو برو شیفه ها وصل کن، پشت بونم یه جارو بزن.



حدود یکی دو ساعت بعد تو حیاط روسکنچه نشسته بودم و به پدرم که داشت طناب شیفه های پارچه ای نو شده به سر ناودون ها می بست و گره میزد نگاه می کردم و منتظر بارون بودم که پدرم گفت: "خدا کنه امسال چند تا بارون دهن مشکی بزنه که اونبارا پر بشن و سال خوبی داشته باشیم".

در این موقع بیاد حرفهای چند روز قبل استاحسن بنا که مردی سبزه روی و خوش اخلاق و اهل محله جبری بود افتادم که برای پدرم تعریف می کرد چگونه آب انبار خونه همسایه شون دغذ (ترک)خورده و خیونت کرده (ترک خوردگی دیواره آب انبارخیونت کردن میگفتن) که بخاطر خوب درست نکردن ساروج و یا الیاف به اندازه درملات آن نریختنه والا دغذ نمی خورد.

پدرم پس از کشیدن قلیونش و خوردن چای، بلافاصله جارو و خاک انداز برداشت و از پله ها بالا رفت، منهم همراهش رفتم ، هنگامی که داشت پشت‌بام، آت و آشغالهای بادآورده و کارخرابی های گربه ها را جارو و تمیز می کرد ازش سوال کردم چرا پشت بام همسایه مون که دو طبقه هست، هر سال بعد از بارون سر سبز میشه؟ باخونسردی برام توضیح داد که تو بوشهر برای درستِ کردن پشت بام از دونوع شُل (گل رس) استفاده می کردند یکی دُروشکَهف و دیگری پنبه ای، نوع دروشکهف که شُلدرار اون طرف برج مقام در محدود چاه های اُندربُندر بود (امروزه جزئی از پایگاست) وشل آن چسبندگی بسیار عالی داشت، این گل که با الاغ یاگاری خرکی به محل آورده می شد پس از کوبیدن و نرم کردن بر روی پشت بام می ریختند و افراد متخصص این کار، شل ها را پهن و صاف می کردند و با علامه (کوبه مخصوص) ضمن خواندن اشعاری مانند:

علامه، علامه، شاه نجف مولامه/ شاه نجف یاری کن این ساکنان خانه

آن قدر ضربه می زدند تا پشت بام کاملا سفت و صاف و شیبی بطرف ناودونا پیداکنه، ولی شل پنبه ای شلدرارش در محدوده روبروی پُودَر به طرف کارخانجات دریایی و بالاتر بود، این شل ارزان قیمت، بیشتر برای اندود کاهگل پشت بام ها و دیوار پاشُلی ها (خونه های ارزان قیمت) به کار می رفت، در مواقع بخصوص گل با کاه و آب مخلوط می کردند و پس از چند روز که گندیده می شد با پا خوب ورز می دادند و پشت بام می ریختند و با ماله مخصوص صاف می کردند. پس از خشک شدن روی سطح گل ترکهایی بوجود می‌آمد که یا با خاکستر ترکها را پر می کردند و یا بیشتر اوقات پشت بام ساختمانهای بلندی که مورد استفاده برای خوابیدن، یا در تابستان محل اَریش زدن نبود، در محل ترک ها بذر جو یا ارزن و یا علف های دیگر می ریختند که پس از بارندگی سبز می شد و ریشه شان توی هم می پیچید و هر ساله بذرشان همان جا می ریخت و سال بعد از نو سبز می‌شد و سطحی محکم به وجود می‌آمد که از فرسایش گل و شسته شدن به وسیله بارون تا اندازه ای جلوگیری می‌شد و سال ها سفت و محکم باقی می ماند.

هر سال مقداری گِل همراه آب بارون شسته و وارد آب انبار میِ شد که پس از ته نشین شدن گِلها و بعد از استفاده از آب، آب انبار، معمولاً در مهر ماه یا قبل از آن، آن را میرُفتن (لایروبی می کردند). برای این کار افرادی بودند که می آمدن در کوچه ها فریاد می‌زدند: «اُو انبار میروفیم، اُو انبار می شوریم»، معمولاً دو نفر بودند یکی می رفت پائین توی آب انبار و یکی بالا و شل ها (گِل ولای) که بهش لیویر اونبار می گفتن باطناب و سطل بالا می کشیدند و به بیرون خونه منتقل می کردند، اگرجا بود گودالی می کندند و گِلها درون آن دفن می کردند اگر هم جانبود گوشه دیواری می ریختند که پس از چند روز آفتاب خوردن آبشون تبخیر و تقریباسفت میِ شدن، سپس نوبت بچه ها می رسید برای بازی کردن با این شُلها، معمولاً دختربچه ها (مثل خمیر مجسمه سازی امروزی) باهاش عروسک و قابلمه و ظروف اسباب بازی می ساختند و پس از خشک کردن در آفتاب با آنها بازی می‌کردند و ما پسرا مقداری از اون را بر میداشتیم تو کف دست کمی صاف و سطحش گود می‌کردیم و محکم به سطح صافی که معمولا ساروجی یا سمنتی (سیمانی) و صیقلی بود می زدیم که صدای ترقه ای ازش بلند می‌شد و لذت می بردیم.

با وجود لایروبی و شستن آب انبارها، آبی که در آن ذخیره می شد پس از مدتی جایگاه لار و حشرات و پشه ها می شد و کرم می زد. در بعضی مواقع در آب انبارهای خانه های بزرگ بچه قورباغه هم دیده می‌شدکه بهش جوجوک میگفتن، قبل از مصرف حتما آب را صاف می کردند (یادم میاد عمه ای داشتم که هنگام آب خوردن گوشه مقنعه نازک مشکی رنگی که همیشه بر سرداشت مانند صافی جلو دهانش میگرفت وآب می نوشید) همیشه سعی می شد آب برای آشامیدن از بیرون تهیه کنند که معمولاً باتانکر از چاه هایی که در عالی چنگی و اُندُربُندر و یا چاه نوشادی بود، می آوردند.

در ضمن افرادی بنام سقو (سقا) بودند که با مشک و الاغ یا گاری خرکی آب را به مقصد حمل می کردند، بعدا در مکان هایی مانند ضلع شمال شرقی متصل به آب انبار قوام یا کنارمیدان لوله غُرابی قدیم جنب گاراژ برازجانی ها و یا آبیاری سنگی اول خیابان توحید پهلو مدرسه، مخازن سیمانی بزرگی درست کرده بودند و تعدادی شیرآب بهشون نصب شده بود که با تانکر، آب درون آن ها می ریختند و مردم می آمدند و با ملاسی (حلب بیست کیلویی روغن نباتی) یا ظروف دیگر آب می بردند، سقوهایی هم بودندکه دو ملاسی را با طناب به چوبی بنام قنتل یا کنتل بسته و روی دوش می گذاشتن و آب به منازل حمل می کردند و در خمره یا حبانه می ریختند. یکی از سقاهای معروف بوشهر مرحوم جواد پتان بود. آب حبانه بر اثر تراوش و نسیم باد که بهش می خورد خنک می شد، آب خوردن با لیوان رویی که با طناب به حبانه بسته و آویزون بود مزه خوشی داشت. درآن زمان بخاطر وضع معیشتی مردم، غیربهداشتی بودن آبها، و رعایت نکردن بهداشت شخصی، اغلب مردم مخصوصا کودکان انگل داشتند که باعث زردی رنگ پوست و لاغری آنها می‌شد بهمین خاطر هر ساله خانواده ها از داروهای ضد انگل مانند لیموناکس و نمک یا هلیله ویا روغن کرناتو (کرچک) استفاده می‌کردند که بهشون دوای کار(مسهل) می گفتند، وآن روزی که ما مسهل می خوردیم، نمی‌دونم رو چه حسابی نهار ظهر کته همراه باتخم مرغ آب پز بهمون می دادند و باوجود تلخ و بد مزه بودن دوای کار، بهوای خوردن کته وتخم مرغ دوا را می خوردیم. درضمن هر ساله از طرف بهداری و اداره ریشه کنی مالاریای آن زمان، برای ضدعفونی کردن منازل با گرد یا مایع د.د.ت و مخصوصا برای ریختن کلر در آب انبار ها به درب منازل مراجعه می کردند.



تیم فوتبال امید سنگی بندر بوشهر، دهه پنجاه و شصت

ایستاده از راست: مرحوم ابوالقاسم محمدی، اصغر کاوه ئیان، مصطفی ساجدی، مجید کاوه ئیان، مسعود کاوه ئیان (دروازبان)، علی گشمردی، خدر کرمی، علی احمدی، ماشااله قدسی، حمید گشمردی (سرپرست)

نشسته از راست : عبدالرضا بنده امیری، شهید نادر سیار، ایرج محمدی (شاهپور)، محمد نوری کازرونی، رضا سیرجانی، محمد مهدی، حمید کاوه ئیان، محمود قدسی، اردشیر محمدی.

زندگی نامه دکتر جعفر حمیدی در مصاحبه با نسیم جنوب (٦):

خدمت در کوه‌های صعب‌العبور کردستان



از حوزه سربازگیری شیراز، من با جمع مشمولان را به تهران فرستادند و من و آقای زنگویی هر دو سرباز شدیم و ما را با بقیه به شیراز فرستادند و پس از ۹ ماه مشق و نظام در پادگان شیراز افسر شدیم (ستوان ۲) و من و زنگویی و دو نفر دیگر به لشکر ۶ پادگان سنندج منتقل شدیم و مدت نه ماه من در هنگ ۱۶ و زنگویی در هنگ ۱۸ لشکر ۶ کردستان خدمت کردیم.

در پاییز ۱۳۴۱ با ادعای نابجای عراق درباره اروند رود، بین ایران و عراق درگیری لفظی آغاز شد و لازم آمد که تمام لشکرهای مرزی ایران به حالت آماده باش در آینده هنگ ۱۶ لشکر ۶ کردستان هم آماده باش و من هم به مدت یک ماه در کوه های صعب العبور و مرزی غرب کردستان همه در چادر آماده باش بودیم و بودم و به نظرم عراق شنیده بود که من هم در هنگ، آماده باشم ترسیده بود و عقب نشینی کرد و ما هم به پادگان برگشتیم.

در اردیبهشت ۱۳۴۲ سربازی ما تمام شد و به بوشهر برگشتیم، هنگام مراجعه به اداره فرهنگ با در دست داشتن گواهی پایان خدمت، باز همان دو نفر در کارگزینی شروع به اشکال تراشی کردند که تو را نه با پایه دبیری بلکه با پایه ۳ اداری استخدام می کنیم. البته نه تنها من از دست آن ها زجر کشیدم و دو سه سال از زندگی و کلاسم عقب ماندم، هر کس به کارگزینی مراجعه می کرد با ایراد و اذیت های آن دو نفر مواجه می شد و تقریبا هر روز این ماجرا در کارگزینی اداره فرهنگ بوشهر پیش می آمد و همه نفرین می کردند. اما بقیه ماجرای اواخر زندگی آن دو نفر بماند که چه بلاهایی کشیدند و گفته اند که چوب خدا بی صداست.

به هر حال مدت دوازده سال در دبیرستان شاهدخت سابق و دبیرستان سعادت بوشهر به تدریس پرداختم و شاگردان خوبی را تربیت کردم که هنوز هم هر جا هستند و به هر مقامی رسیده اند مرا فراموش نکرده اند.

سال ۱۳۵۳ به تهران منتقل شدم و در منطقه ۲ آموزش و پرورش تهران به تدریس و مشاوره تحصیلی مشغول شدم. فوق لیسانس علوم تربیتی را قبلا در سال ۱۳۴۸ از دانشگاه تهران گرفته بودم در سال ۱۳۵۶ نیز فوق لیسانس زبان و ادبیات فارسی را گرفتم و بلافاصله برای ادامه تحصیلات دوره دکتری روانه مشهد شدم. در دانشکده ادبیات با استادان برجسته ای مثل دکتر غلامحسین یوسفی، دکتر جلال متینی، استاد احمد گلچین معانی، شاعر دکتر محمد علوی مقدّم.

مهاجرت نخل های دشتستان بوشهر برای تزیین خیابان های عربی

توضیحی در باره انتشار فیلم فروش نخل‌های دشتستان به کشورهای همسایه



حمید آب آذر

انتشار وسیع فیلم کندن درختان سالم و جوان نخل با لودر در روستای رودفاریاب در بخش ارم دشتستان به دلیل بی آبی و فروش آن به دلالان صادرات چنین درختان به ثمر نشسته ای به کشورهای عربی، در رسانه های ایران و جهان، تاثر وتاسف زیادی در بینندگان برانگیخته است.

رودفاریاب یکی از زیباترین روستاهای جهان بود با چشمه ساران و رودخانه جوشان و جاری.

از اسمش هم پیداست جایی که فراوانی آب بود.

به چند دلیل متاسفانه اکنون آن باغات سرسبز خشکیده اند.

– زیاده خواهی مردم بالادست که در اقدامی غیرقانونی با بیش از پنجاه پمپ کف کش قوی، روزانه بیش از بیست اینچ آب را به بالای کوه ها پمپاژ کرده و علاوه بر کاشت درخت حتی صیفی جات می کارند و برخی استخر شنا درست کرده اند. ظاهرا بین خود همین برداشت کنندگان غیر قانونی هم اختلاف جدی به وجود آمده است. زیرا بالادست تری ها با پمپ های قوی تر آب بیشتری برداشت می کنند.(بخوانید هرج و مرج پایان ندارد)

–بی توجهی مسئولین در مدیریت و مدرن سازی آبدهی مثل قطره ای کردن در آبیاری.

– بی عدالتی در توزیع بودجه سدسازی و آبخیزداری و ... در بخش ارم که سهم روستای رودفاریاب در چهل سال اخیر نزدیک به صفر بوده است.

من در این یادداشت عامل مهم دیگر یعنی کاهش بارندگی را در کاهش منابع آبی سهیم می دانم اما اصلا عامل خشکسالی باغات رودفاریاب نمی دانم. به این دلیل که اگر به فرض امسال بیش از هزار میلی متر باران هم در ارتفاعات روستای تنگ فاریاب ببارد و رودخانه جوشان شود باز هم حریف پنجاه پمپ کف کش دو و سه اینچی مردم بالادست یعنی روستای تنگ فاریاب نخواهد شد و باز هم قطره ای آب به باغات روستای رودفاریاب نخواهد رسید.

این همه فاجعه ای نبود که نوشته ام فاجعه بدتر این است که کشاورزان رودفاریابی پس از سال ها اعتراض و بی توجهی مسئولین مجبور شده اند در جای جای روستا برای آبیاری باغات خود چاه حفر کنند. اختلاف بین خود مردم رودفاریاب هم شدید شده است به گونه ای که معترضان به حفر چاه، باغات را به آتش می کشند. طبق برآورد کارشناسان کمتر از پنج سال منابع کم آب زیر زمینی رودفاریاب هم به پایان می رسد یعنی خطر فرونشست روستای مسکونی رودفاریاب به غم خشکیدن باغات هم افزوده شده است.

حالا در این آوار بدبختی ها که کشاورزان مجبورند نخل های چون فرزند خود را مثل فرزند فروشی در افغانستان به ثروتمندان همسایه بفروشند و فیلم این فاجعه در دنیا منتشر شده است و دل ما رودفاریابی ها را که با این باغات زندگی کرده ایم، می سوزاند، بخشدار ارم برای این که گردی به دامن مدیریت خود ننشیند در مصاحبه ای گفته است که این درختان ارزش اقتصادی نداشته و فروش آن ها طبیعی است. در حالی که این نخل ها سرسبز و ثمرده هستند.

مصاحبه بخشدار که نماد دولت در بخش ارم است نشان داد که مدیریت در بخش ارم و به تبع مدیریت آب و کشاورزی دشتستان توجه کافی به خشکسالی در رودفاریاب نداشته اند.

اما پیشنهاد من برای نجات باغات باقی مانده در رودفاریاب این است:

۱–برخورد قاطعانه با برداشت کنندگان غیرقانونی آب در تنگ فاریاب.

۲–مدیریت واحد در آبیاری باغات تنگ فاریاب (۶ هزار نخل بعلاوه درختان جدیدی که کاشته شده و من آمار آن را ندارم) و رودفاریاب (۲۰ هزار نخل) که با ساخت منابع بتنی آب و هدایت آب رودخانه و قطره ای کردن باغات امکان پذیر است. مطمینم با آب موجود می توان تمام درختان دو روستا را با قطره ای کردن سیراب کرد.

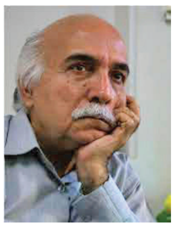
۳– جبران عقب ماندگی توسعه در بخش سدسازی و آبخیزداری در روستای رودفاریاب.

۴ – دادن وام به کشاورزان رودفاریاب برای ساختن انبارآب. در زمستان به راحتی می تواند آب های جاری را برای مصرف در تابستان انبار کرد.

نگارنده این یادداشت باغ پدری خود را با ساخت انبار و آبگیری در فصل زمستان نه تنها از خشکیدن نجات داده بلکه به افزایش ثمر نشانده است.



سایه روشن‌های آپارتمان نشینی



حسین حشمتی

هرگاه سخن از خانه چه آپارتمان وچه ویلایی بامتراژهای مختلف و اسلوب ساخت به سبک معماری زمان حال یاگذشته به میان می آید، خواه ناخواه، بحث کلانشهر، اسکان و مسایل مرتبط با آن نیز مطرح می شود، در این مقاله نگارنده برآن سر است که پیشینه آپارتمان سازی و آپارتمان نشینی را ازجنبه های اجتماعی و اقتصادی مورد واکاوی قرار دهد.

نزدیک به دو قرن از زمانی که آغامحمدخان قاجار پس از تصرف و تاجگذاری در تهران خود را شاه ایران خواند و بالطبع آن شهر۱۵ هزارنفری هم با پایتخت شدن مرحله جدیدی ازتاریخ خود را آغاز نمود می گذرد، دارالخلافه ای که قبل ازآن برهه ی زمانی، توسط نادرشاه افشار(مخیم حشم محتشم)(۱) نامیده شد و در اواسط قرن یازدهم که کریم خان زند پس از شکست دادن محمد حسن خان قاجار به سلطنت رسید، "بلاد طیبه تهران" لقب گرفت(۲) و در عصر جمهوری اسلامی ایران هم توسط امام خمینی "بلادکبیره فوق العاده" خوانده شد(۳). نکته حائز اهمیت این است که کلانشهر تهران درطول تاریخ، تحت لوای هر سلسله پادشاهی یا حکومتی که قرارداشته، همچنان عنوان پایتختی را حفظ نموده است.

دیسپلین اقتصادی: از قدیم الایام گفته می شد، تهران یک نقطه جغرافیایی است که هرکسی با هر نوع امکانات مالی و سطح درآمد می تواند در آن جا زندگی کند، مصداق های زیادی برای اثبات این ادعا وجود دارد از پنت هاوس های ۱۳۰۰ متر مربعی در برج ها و مال ها که ۱۴میلیاردتومان ارزش دارد گرفته تا آپارتمانهای ۸۰–۹۰ متر مربعی در مناطق متوسط شهر با ارزش یک میلیارد و۲۰۰میلیون تا واحدهای ۴۵–۳۵ متر مربعی در مناطق جنوبی به ارزش ۷۰۰ میلیون تومان، البته به قیمت های سال۹۱، زیرا قیمت هرمترمربع آپارتمان درهریک از مناطق ۲۲گانه پایتخت در سال ۱۴۰۰ به مراتب بیش از مبالغ فوق الذکر است.

در مورد علل افزایش بهای آپارتمان، در کلانشهرها و به ویژه تهران،کارشناسان نظریات مختلفی را مطرح ساخته اند که از آن جمله می توان به فراوانی جمعیت، ناشی از مهاجرت های بی رویه، توان مالی شهروندان،کمبود و افزایش قیمت زمین اشاره نمود که البته علاوه برموارد پیش گفته، احتکار خانه و آپارتمانهای خالی نیز مزید بر علت است تا آن جا که از قول یکی از نمایندگان مجلس دوازدهم گفته شده، مورد داریم که تعداد دوهزار خانه متعلق به یک نفر است (۴) که اگر دولت بتواند با اجرای قانون مالیات بر خانه های خالی، وی را ملزم به اجاره یا رهن دادن آن منازل نماید بخش اعظمی ازکمبودها و مشکلات مرتفع خواهد شد.

با این حال، افزایشی شدن قیمت مسکن دولت را ناگزیر خواهد ساخت قانون دریافت مالیات از خانه های خالی را با روند تندتر ی در دستور کار قراردهد، این پیش بینی کارشناسان مسکن ازآن جا ناشی شده که معاون حقوقی و فنی سازمان امور مالیاتی گفته است اخیرا بر اساس اعلام وزیر راه و شهرسازی، سامانه اسکان و املاک آماده شده و قرار است در اختیار آن سازمان قرار گیرد تا سازمان نامبرده ازآن برای شناسایی منازل خالی و دریافت مالیات اقدام نماید به این ترتیب که ابتدا ازطریق اداره ثبت اسناد، شهرداری و شرکتهای آب و برق تعداد واحدهای یک فرد مشخص می شود سپس بر اساس تاریخ صدور پروانه ساختمانی و پایان کار که در سیستم شهرداری ثبت گردیده، املاک به دو دسته استیجاری، مُلکی و خالی تقسیم می شوند، اگرخانه دوم به بالای یک فرد به صورت استیجاری ثبت نشود به عنوان خالی درنظر گرفته شده و مشمول مالیات می گردد.

شایان توجه این که به موجب قانون مالیاتهای مستقیم، مالیات خانه های خالی معادل۲۰ درصد مالیات بر اجازه است و به خانه های با متراژ۱۵۰متربه بالا تعلق می گیرد، در مورد زمان اجرای این تصمیم از قول وزیر راه و شهرسازی گفته شده، بسیار خوش بین هستیم که در همین تابستان برگه های مالیاتی برای صاحبان خانه های خالی صادر شود.

ناگفته پیداست امید بستن به چنین وعده ها و اقداماتی نه تنها برای متقاضیان کم بضاعت، فرصت خرید خانه مناسب را فراهم نخواهد ساخت و همچنین امکان اجاره و رهن واحدهای خالی توسط متقاضیان را میسر نمی سازد بلکه با شروط و اما و اگرهایی که در اجرای تصمیمات اعلام شده وجود داشته و دارد سیر صعودی قیمت های خرید و فروش و رهن و اجاره سقف نمودارهای ترسیم شده را خواهد شکافت.

دیسیپلین اجتماعی: آپارتمان سازی در تهران سابقه ای ۷۰ ساله دارد، اولین آپارتمان را مهندس خانشغانی درسال ۱۳۳۰ در ۱۰طبقه برای استفاده عمومی ساخت که دارای آسانسور هم بوده است و پس ازآن در دهه ۴۰ ساخت آپارتمان رونق گرفت که نخستین مجتمع های آپارتمانی را می توان آپارتمان های بهجت آباد و ساعی نامید. با ساخت آن ها فصل تازه ای در سبک زندگی شهری ایجادشد، هم زمان با ساخت آپارتمان، قوانین آپارتمان نشینی نیز مورد توجه قرارگرفت، اولین قانون تملُک آپارتمان به سال۱۳۴۳ باز می گردد که از آن زمان تا به حال قوانین مربوط به حقوق ساکنین در آپارتمان ها مورد بررسی تجدید نظر قرار گرفته است (۵). با این وصف،وضع قوانین تملک و حقوق ساکنان آپارتمان ها نتوانست نظم و نسق مورد انتظار را بر روابط پیچیده، متعدد و متنوع آپارتمان نشینان برقرارسازد زیرا زمانی که گروهی با هم دریک محیط محدود زندگی می کنند، مواردی همچون توافق نداشتن در مورد استفاده از بخش های مشترک ساختمان، وجود خرده فرهنگها و سلیقه های گوناگون، تفاوت های زبانی، قومی و اجتماعی احتمالا موجب بروز تنش و نزاع در میان آنان خواهد شد که اگر کار به شکایت بکشد آن وقت است که پای آن قوانین به میان خواهد آمد، قوانینی که فاقد نکات پیش گفته بوده و مشکلات را حل نخواهد کرد.

براساس یکی ازنظرسنجی های انجام شده در تهران درمورد تعین مشکلات آپارتمان نشینی، مشخص گردیده است که:

۱–سروصدا و رفت وآمدزیاد درطبقات۳۹ درصد
۲–عدم تفاهم فکری باهمسایگان ۱۳ درصد
۳–نداشتن فضا و تفریح ۱۲ درصد
۴–مزاحمت همسایگان ۲۷ درصد (۶)

و نکته آخر بی خبری و بی تفاوتی همسایگان دریک طبقه از حال همدیگراست که دربند۴ دخالت و مزاحمت نامیده شده اما به عقیده نگارنده مرگ عاطفه و مهربانی است و از مواردی محسوب می شود که با تعلیمات و تکالیف دینی ایرانیان درتضاد کامل است، زیرا حقوق همسایگی را به حاشیه رانده تا آن جا که فردی سالمند و بیمار که تنها دریک واحد زندگی می کرده در اثر شدت بیماری فوت نموده و همسایه موقعی از این واقعه مطلع شده که چند روز از مرگ او گذشته و بوی تعفن جسد در طبقات به مشام رسیده است، واقعه تاثربرانگیزی که هراز چندگاهی خبری از آن در روزنامه ها به چاپ می رسد.

منابع : ۱–تاریخ جهانگشای نادری - ۲–تاریخ گیتی گشای - ۳–استفتائات ج۱ ص۲۰۶ - ۴–شهرآرا نیوز۸تیرماه۹۹ - ۵–خبرگزاری آنا۶بهمن۹۸ - ۶–خبرگزاری ایرنا ۱۳ آذرماه۸۹

خود آگاهی و دل آگاهی و نامیرایی زندگی


خالق ماجدی

من از کلمه "ناپایداری" فهمی متفاوت نسبت به نحله های پوچی گرا و نهیلیسمی دارم چون که در آن مکاتب فکری، احساس گیر افتادن در یک بن بست و پوچی محض، نفس انسان را بند می آورد و آدمی دچار روزمرگی و تکرار می شود و آدمی تبدیل به موجودی منفعل و عاملیت و فاعلیت خود را فراموش می کند.

در مکالمات روزانه، زیاد کلمه "اصیل" می شنوم. می گویند فلانی انسان اصل و نسب داری هست! ممکن است تصاویر ذهنی زیادی نسبت به کلمه "اصالت" داشته باشیم:

شاید منظور اینست که فلانی از خانواده سرشناسی هست که این برچسب، پررنگی اش را از وضعیت اقتصادی یا شغلی آن خانواده گرفته است!

شاید منظور اینست که شخص از تحصیلات آکادمیک خاصی و کرسی علمی برجسته ای برخوردارست!

ریشه لغوی کلمه اصیل، "اصل" است. هر کسی اصلی را خواسته و یا ناخواسته برای خودش برجسته کرده است و تمام "هستی" و "نیستی" خود را منوط به دستیابی و یا ناکامی خود برای رسیدن به این "اصول" کرده است.

من به شخصه در تلاشم و تاکید می کنم در تلاشم که "خود آگاهی" را به عنوان شاه بیت اصل زندگی ام برجسته و پررنگ کنم. مهم نیست که من چه موقعیت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دارم. اصل این است که بر خود و لحظات زندگی ام چه قدر "آگاه" هستم. در تلاشم "هستی" ام را از "آگاهی" بگیرم. ما در تمام لحظات زندگی به "خود آگاهی" و "دل آگاهی" نیازمندیم.

درک و فهم کوتاهی و ناپایداری و میرایی حیات جسمانی با "خود آگاهی" و "دل آگاهی" رابطه متقابل عمیق و حیاتی دارد.

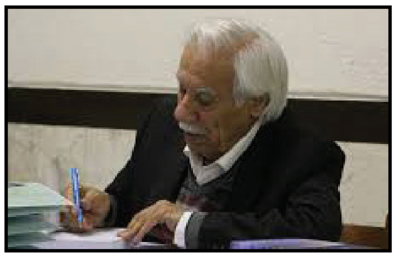
"خود آگاهی" به تنهایی هم کافی نیست و اگر با "خودآگاهی" به "دل آگاهی" رسیدیم زندگی ما از میرایی به نامیرایی و جاودانگی می رسد.چرا؟! چون که "دل آگاهی" یعنی دیگردوستی، یعنی انسان بودن،یعنی "انسانیت".

در لحظات تلخ و شیرین زندگی باید نسبت به خود و دیگران "آگاه" بود و از این خصلت موقتی و کوتاهی اش باید درس گرفت و آدمی را می شود "موقتا" اصیل نامید که خودآگاه و دل آگاه هست و هستی اش را از این دو عامل می گیرد.

پس اصیل و نااصیل "موقتی" و الزاما صفت پایدار و دائمی نیست چون که بین آگاهی و خودآگاهی و دل آگاهی و عدم آگاهی سیار و سیال است.

افغانستان را چه می‌شود؟

عبدالمجید زنگویی



باز هم به دام حیله و تزویر و خشم و خشونت و انتقام جویی قرون وسطایی طالبان درافتادن، باز هم در ملاء عام به گناهی موهوم و تهمتی ناروا، ضربه های شلاق وحشیانه را تحمل کردن، باز هم از وحشت زندان و اعدام و هزار درد بی درمان دیگر، خانه و کاشانه و خویشان و بستگان را وانهاده و زحمت مهاجرت به ناکجاآباد را بر گزیدن.

مردم فقیر، اسیر و بی دفاع افغانستان را می گویم؛ که در چنگ خونین طالبان به اسارت افتاده اند بی هیچ پشتوانه و حمایتی از جهانی که گویی در خوابی سنگین فرو رفته یا خود را به خواب زده است.

کدام انسان متعهد و شرافتمند در برابر وقایع و رویدادهای افغانستان می تواند ساکت و بی تفاوت بماند؟

تقصیر را به عهده ی چه کسی یا کسانی بیندازیم؟ جو بایدن؟ اشرف غنی های دزد و ناپاک و بی مسئولیت؟ ارتش بی سر و سامان و نظام نایافته و آموزش ندیده و گرسنه ی افغانستان؟ کشورهای بی تفاوت و بی توجه غربی و همسایگانی چون پاکستان، و یا آنان که در این میان در انتظار منافع و سود کلان خویش اند، همچون روسیه و چین؟

آنان که گفتند و می گویند: «طالبان عوض شده اند و طالبان ۲۰ سال پیش نیستند و خشونت قرون وسطایی را کنار گذاشته اند و اصیل و قابل اعتماد هستند.» از دیدگاه این نگارنده، هر کدام به سهم خود در این روند و راستا و آن گاه که از طالبان هر کدام به گونه ای پشتیبانی کردند و می کنند، مسئولیت دارند. به راستی چگونه ترامپ و جو بایدن بی آن که دولتی فراگیر تشکیل دهند یا با طالبان قرارداد صلح موثق و مطمئنی ببندند، که پای بند هیچ گونه اصول و قاعده و قانون نیستند، بی هیچ برنامه ریزی درستی افغانستان را به دامن طالبان انداختند و با توجیه مسائلی غیرقابل قبول، ملّتی را تنها گذاشتند. به راستی آقایان ترامپ، جو بایدن، زالمای خلیل زاد و... نمی دانند و نمی دانسته اند که گروه های ایدئولوژیکی افراطی، پای بند قرارداد و قول و قرار و تعهدی نیستند؟

آیا داعش، طالبان، القاعده، بوکو حرام و .... به قرارداد و تعهد پای بند هستند؟ چرا آمریکا و غرب از احمد مسعود و پنج شیری ها در برابر طالبان حمایت نمی کنند و آنان را در برابر این قوم خشمگین و انتقام جوی تا دندان مسلّح متحجّر تنها گذاشته اند؟

چرا آمریکا میلیاردهَا دلار مهمات و اسلحه جنگی را در اختیار طالبان قرار داده؟ آیا برنامه حمله ی و جنگی با یکی از همسایگان در پیش است؟ چگونه ارتشی ساختند که در برابر عده ای موتورسوارِ تنهاتفنگ و مسلسل به دست، با دمپایی به پا، بدونَ هیچ گونه مقاومتی تسلیم شدند و یک به یک شهرها را واگذار کردند؟

می دانیم که طالبان برخلاف وعده ای که داده بودند، هم اکنون رفتار خشن و غیرانسانی قرون وسطایی خود را یکی پس از دیگری به اجرا درمی آورند. شلاق می زنند و به زندان می اندازند و اعدام می کنند و اکنون فاش شده که در پنجشیر، گورستان های دسته جمعی ناشی از کشتکار طالبان از مردم بی گناه و غیرمسلح کشف شده است و صدای دنیا هم درنمی آید. درست است که هر کشوری به فکر حفظ منافع خویش است، اما این طرز تفکر با کدام قانون انسانی همخوانی دارد که ملتی را با دستی خالی، در برابر خونخوارانی چون طالبان تنها بگذارند و گاه پنهانی با آنان هم رابطه دوستی برقرار کنند.

طالبانی که خود را هم چون مسلمانان صدر اسلام، جهادی می دانند و می خوانند و غیر خود را دشمنی می دانند که خونش مباح است و آشکارا خود را جهادی یا مجاهد می خوانند. و هنگامی که بر دشمن یعنی غیرخودی پیروز می شوند «از سوزن تا زن غیرخودی را تا قیامت متعلق به خود می دانند» که بر دشمن پیروز شده اند. و زن و فرزندان آنان را هم اعم از دختر یا پسر، به نوعی به مالکیّت خود می گیرند. ببینیم چگونه قانون را به نفع خود تفسیر شرعی می کنند.

نگارنده این سطور، به عنوان فردی ایرانیِ مسئول و متعهد در همسایگی افغانستان، به شدتَ نگران و به فکر مردم بی پناه این کشور هستم؛ کشوری که روزی جزیی از خراسان بزرگ و کشور ایران بوده و انگلیس استعمارگر، با حیله و ترفند و جنگ و خونریزی و تهدید، در زمان حکومت قاجاریه، آن را از ایران جدا کرده بود، نگرانم که سرانجام پنجشیر بدون کمک دولت های خارجی و امکانات لازم، در حالی که در محاصره ی طالبان بسر می برد، تا کی مقاومت خواهد کرد؟

آیا امکان ندارد طالبان، مردم افغانستان، به ویژه شیعیان را قتل عام کنند و برای گرفتن امتیاز از دیگران، مقصر کشتارها را به داعش نسبت دهد؟

مانند قتل عام مسجد شیعیان هزاره که به داعش نسبت دادند، آن هم از نوع انتحاری؟ و سرانجام این که، جو بایدن که در این میان با آبرو و اعتبار آمریکا هم بازی کرد، باید پاسخگوی تصمیم گیری و اعمال شتابزده خود در برابر تاریخ و مردم افغانستان باشد. اگر چه مدّعی است افغانستان و دولت آن، خود باید حافظ جان و مال و سلامت کشور باشند و آمریکا وظیفه خویش را در مدت ۲۰ سال انجام داده است، که البته با دولتی آن چنانی که بر افغانستان حکومت می رانده، غیرقابل قبول و توجیه است.

دُم اخلاص در آمار افزایش اختلاس بیرون زد!

احمد خواجه حسنی

رئیس پلیس امنیت اقتصادی ناجا اظهار داشتند اختلاس نسبت به سال گذشته ۳۰۰ درصد افزایش داشته است!

در خبر چنین نقل شده که؛ اختلاس در شش ماهه امسال از جهت پرونده‌ای ۶۱ درصد، از جهت تعداد متهم ۹۴ درصد و از نظر ارزش ریالی ۳۳۳ درصد و رشا و ارتشا نیز ۳۵۷ درصد نسبت به شش ماهه سال گذشته افزایش داشته است.

اساسا سؤالی که به اذهان متبادر می شود بر این محور است، مفروض بر این که جمهوری را ظرفی بدانیم که ایدئولوژی‌های اخلاق‌مدار و فضیلت‌محور می‌توانند مظروف آن قرار گیرند، چرا امروزه بدین وضع گرفتار آمده ایم که ارزش های اصیل اخلاقی مانند نوع دوستی، دگر خواهی و پایبندی به اخلاق و تعهد از جامعه ی فعلی رخت بر بسته و در سال های اخیر سقوط معیارهای رفتاری در جامعه ایران موجب تأسف و تألم گردیده است؟ از منظر جامعه شناسی و معیار رفتارشناسی، با رخداد این اتفاقات، اعتماد اجتماعی که پایه و اساس سرمایه اجتماعی میباشد را به شدت تنزل خواهد داد.

انتشار آمار افزایش اختلاس از پدیده های تاسف برانگیز روزگار ماست که سؤالی شگرف را با خود به همراه دارد، چه شد که اخلاص مان که زبان زد بود به مرور رنگ باخته و به اختلاس گرائید؟

چرا در ابتدای انقلاب افراد خود را فدای نظام اسلامی می کردند اما امروز بی وقفه وجهه مقدس نظام را خدشه دار کرده و آبروی نظام را فدای دنیا پرستی و زخارف ورزی خود می کنند؟

القصه بر تصمیم سازان و سیاست گذاران مکتوم نیست که ریشه ی بسیاری از اختلاس ها، انحراف ها و حرام خواری های اقتصادی در عدم تمکین به اصل شایسته سالاری در انتصابات و انتخاب ها، وجه غالب تفکر جناحی و ترجیح منافع جناحی به منافع ملی و توزیع ناعادلانه و سلیقه ای قدرت می باشد. به زعم نگارنده در این وانفسا تبعیض را بی کم و کاست می توان مادر فساد خواند...

مادامی که در مبارزه با فساد ثنویت موجود و دو قطبی گری حاکم باشد، با چشم پوشی از فساد در جبهه ی خودی و برجسته سازی فساد در جبهه غیر خودی بدون تعارف راه به جایی نخواهیم برد!

گرچه تحرکاتی در این وادی صورت گرفته و اقدامات قابل ملاحظه ای نیز در جریان است لیکن با عنایت به افزایش آمار، عبث و کم بهره می نماید.

مبارزه با فساد امروز دیگر یک خواست و مطالبه عمومی نیست بلکه در نزد قاطبه ی افراد جامعه به آرزویی جمعی بدل شده است و یقین بدانید بدون تمکین به قانون گردش آزاد اطلاعات و در فقدان رسانه های مستقل و آزاد منبعد نیز درب بر روی همین پاشنه چرخش خواهد داشت، گرچه ضعف نهادهای مدنی نیز مزید بر علت خواهد بود.

اگر قانون گردش آزاد اطلاعات به درستی و صراحت در جریان بود، پاسخگویی و نظارت بر اجزای قدرت به صورت برخط موجودیت داشت چه بسا به این فلاکت دچار نبودیم چرا که عدم پاسخگویی و نظارت ناپذیری را می بایست معادل فساد دانست. جامعه اگر به اطلاعات درست دسترسی داشته باشد قادر خواهد بود به درستی عملکرد دولت را نقد کرده و دولت نیز به جهت رضایت مندی افکار عمومی و جامعه هدف تلاش خواهد کرد. یقین بدانید حجم قابل توجهی از فسادهای پیش روی اقتصادی، اختلاس و نظام اداری رشوه محور همین عدم آزادی بیان و مطبوعات هست (ارکان چهارم و پنجم دموکراسی) و به جرأت می توان پاشنه آشیل تکثر گرایی اختلاس ها را به این مقوله معطوف داشت.

آموزش وپرورش کلکسیون بحرانها و اقیانوس مشکلات

دکتر عباس حاتمی

۱-بحران ناشی از کمبودشدید بودجه.
۲-بحران کمبود معلم حرفه ای و مازاد معلمان غیر حرفه ای و با تحصیلات غیر مرتبط.
۳-بحران دخالت نهادهای غیر متخصص؛ به دلیل انتخاب وزیران و مدیران ضعیف.
۴-بحران مدارس کپری و کانکسی.
۵-بحران محتوای کتب درسی که خیلی مطالب به درد زندگی نمی خورند و در دانش آموزان بی انگیزگی ایجاد می کنند.
۶-بحران تعصّبات و سختگیریها بر معلمان و دانش آموزان و ایجاد فضای بسته.
۷-بحران مدارس کهنه و فرسوده.
۸-بحران عدم انتخاب مدیران خلّاق و نوآور.
۹-بحران کلاسهای کنکور و سهمیه های ناعادلانه کنکور.
۱۰-بحران تبعیض جنسیتی.
۱۱-بحران بخاریهای نفت سوز.
۱۲-بحران عدم جذابیت مدارس به دلیل برنامه های غیر شاد ویأس آور.
۱۳-بحران کودکان بی شناسنامه و منع تحصیل.
۱۴-بحران فقر در اکثریت معلمان.
۱۵-بحران شکاف معلم- دانش آموز به دلیل محدودیت در گزینش معلمان نو اندیش.
۱۶- بحران نداشتن تبلت در بسیاری از دانش آموزان.
۱۷- بحران عدم دسترسی بسیاری از دانش آموزان به اینترنت پر سرعت.
۱۸- بحران پایین بودن سرعت اینترنت و بی کیفیتی آموزش آنلاین.
۱۹-بحران کم توجهی به منزلت معلمان.
۲۰-بحران نگرش غیر حرفه ای و غیر علمی بسیاری از مقامات تصمیم گیر و ایدئولوژیک شدن نظام آموزشی.
۲۱-بحران حجیم بودن کتب درسی و فقر شدید در دروس تاریخ که تضاد بین مدرسه و جامعه را تشدید می کند.
۲۲-بحران عدم استخدام کارنامه سبزها.
۲۳-بحران عدم طبقه بندی مشاغل.

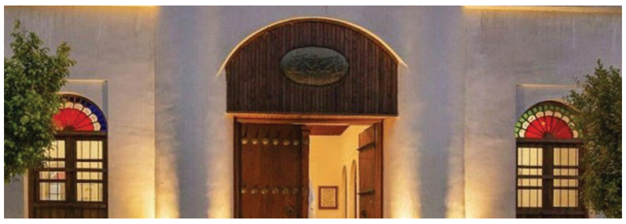
بقول امیرکبیر بحال خودمان خون گریه کنیم. مدرسه چیزی از سواد زندگی، سواد عاطفی، سواد رسانه ای، سواد تاریخی، علوم انسانی مدرن و سواد جنسی به دانش آموزان یاد نمی دهد.
"اول مهر، روز سردرد ملی"

هفته نامه نسیم جنوب
دیرپاترین نشریه تاریخ بوشهر

تلفن های تماس
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷۳۳۳۲۵۹۰۰
www.nasimjonoub.com

nasimjonoub.com
نسیم جنوب
هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
مدیر مسئول وسردبیر: یونس قیصی زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه بوستان ۳۰، دفتر نسیم جنوب
تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰ - ۰۷۷ فاکس: ۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷
تلفن همراه و واتساب: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
لیتوگرافی و چاپ: بهارستان



خداداد عزیزی:
خط خوردن طارمی از تیم ملی بازی خطرناکی است

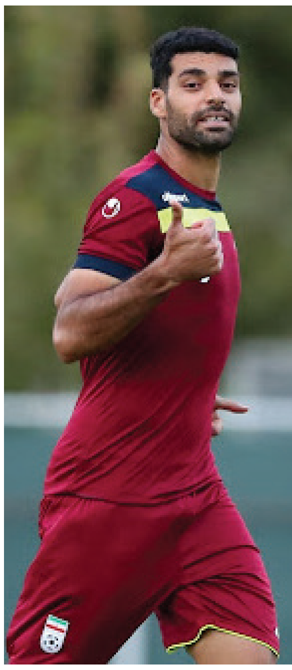
خداداد عزیزی مهاجم اسبق تیم ملی: اسکوچیچ مرتکب اشتباه شد، چون مطمئناً طارمی به عنوان یک بازیکن کلیدی می‌تواند تأثیر زیادی در موفقیت تیم ملی داشته باشد.
طارمی اشتباهی مرتکب نشده که به واسطه آن فرصت حضور در تیم ملی را از دست بدهد بلکه اسکوچیچ مرتکب اشتباه بزرگی شد و قطعاً در صورت پافشاری بر این نظر تیم ملی متضرر خواهد شد.
خط خوردن طارمی از تیم ملی بازی خطرناکی است و به هیچ عنوان به سود تیم ملی نیست، به همین دلیل به نظرم باید هر چه سریعتر این موضوع برطرف شود تا فوتبال ملی متضرر نشود.

ضربه لحیمر


جواد غلام نژادجبری

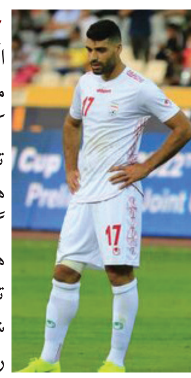
«لحیمر، لیمر، لهیمر، لحمیر» به معنی باد سرخ و ازعربستان می آید.
ضربه لحیمر وقت ندارد.
بعضی از ناخداها می گویند که قبل از ۱۵آبان می وزد و بعضی می گویند که از ۱۵تا آخر برج آبان می وزد.
بعضی سال ها خود بوشهر نمی وزد و اطراف ضربه لحیمر می زند.
موقع وزیدن ضربه لحیمر یک هفته نشانه دارد که از سمت یا شمال تا سمت مطلع، مشرق ابر بالا می آید و صیاد ها را می ترساند و این سردرگمی نه برای صیادها بلکه هواشناسی ها هم وجود دارد.
ظهرها و بعدازظهر ها کاملاً هوا ابری می شود به خصوص در منطقه ستاره یا و عیوق به صورت عمودی دیده می شود و بعد از چند ساعت هوا صاف می شود و این به مدت ۵ تا ۷ روز ادامه دارد تا ضربه لحیمر شروع شود.
اگر از سمت «مغیب» باد لحیمر بوزد از همان دریا رد می شود و به سمت «بر» نمی آید ولی ضربه لحیمر بیشتر نحشی، دهن خوری است و معمولاً از سمت «یا» تا «مطلع» ابر می آید که مدت شدت ضربه لحیمر ۷۲ ساعت همراه با دولاب (گردباد) است و خسارتهای زیادی به بار می آورد.
وای به حال سالی که ضربه لچیذب نزند که در آن صورت ضربه لحیمر کوک (چاق) می شود خیلی خطرناک است. اگر ضربه لحیمر بین ۱۰ تا ۱۵ برج زد سال پشت خشک و کم بارانی است و اگر هرچه عقب تر برود که ۲۰به بعد بشود سال بزرگی و پربارشی است. تغییر هوا رو به خنکی می رود و صیادانی که تور ۲۴۰ قبادی استفاده می کنند از بعد از ضربه لحیمر، ماهی های قباد ،شیر، خارو و... حرکت می کنند به سمت عمق بیشتر و جای خود را به ماهی ها شوریده، راشگو و... می دهند.
آبان ماه به برج عقرب معروف است و دریانوردان از این برج هراس دارند.





شوک به فوتبال ایران با حذف ستاره درخشان بوشهری

سرمربی تیم ملی فوتبال با اعلام لیست نفرات دعوت شده به اردوی تیم ملی برای این دو بازی شوک بزرگی به فوتبال دوستان وارد کرد؛ عدم حضور نام مهدی طارمی که به گواه کارشناسان یکی از آماده‌ترین ستاره‌های ایران محسوب می‌شود، اتفاقی عجیب محسوب می‌شود. ماجرا اما از جایی آغاز شده که دراگان اسکوچیچ در گفتگویی که با یکی از رسانه‌های کروات داشته به ضعف تاکتیکی بازیکنان ایرانی اشاره داشت. گفتگویی که همان زمان نیز با نقدهایی همراه شد و مهدی طارمی نیز در توئیتی در صفحه رسمی خود نسبت به آن واکنش نشان داد و با این جمله کنایه‌آمیز نوشته بود: "می‌خواهم بگویم بازیکنان ایرانی علاوه بر تکنیک فردی و قدرت بدنی، دانش تاکتیکی بالایی از فوتبال دارند. متاسفانه مشکلات جای دیگر است". توئیتی که همان ساعات با بازنشرهای زیادی همراه شد و همه از آن به عنوان پاسخی به ادعای سرمربی تیم ملی و موضع گیری علیه دراگان اسکوچیچ یاد کردند. اتفاقی که البته با واکنشی از سوی مهدی طارمی همراه نشد و ستاره ایرانی پورتو در گفتگو با دوستانش مدعی شد هیچ کنایه‌ای متوجه سرمربی تیم ملی نکرده و همواره از او (دراگان اسکوچیچ) با احترام یاد می کند و مشکلی با او ندارد.
اکنون مساله عدم دعوت از مهدی طارمی به تیم ملی با واکنش‌های زیادی مواجه شده و برخی به دیسیپلین دراگان اسکوچیچ پرداخته‌اند و این موضوع را مثبت ارزیابی کرده‌اند و عده‌ای نیز عدم دعوت از ستاره پورتو را به تیم ملی یک اتفاق نگران کننده ارزیابی کرده‌اند که می تواند شرایط را سخت کند. در این بین برخی نیز با اشاره به این موضوع که واکنش مهدی طارمی به ادعای دراگان اسکوچیچ عادی بوده، این تنبیه انضباطی از سوی سرمربی تیم ملی را تند دانسته‌اند.



حذف طارمی؛ نمایش اقتدار یا عقده گشایی

اگرچه حالا برخی اهالی فوتبال معتقدند اسکوچیچ با این کار نظم را در تیم ملی حاکم می کند اما فراموش نکنیم اشتباه اول را خود دراگان مرتکب شد که آن مصاحبه بی دلیل را در کرواسی انجام داد و گفت بازیکنان ایرانی تاکتیک پذیر نیستند. باور کنید هیچ نیازی به آن مصاحبه نبود. مهدی طارمی هم هیچ حرف بدی نزد. او فقط از فوتبالیست ایرانی دفاع کرد و به درستی گفت ایراد جای دیگری است. دراگان اسکوچیچ چه به میل خودش و چه با هماهنگی دیگران، مهدی طارمی را از تیم ملی کنار گذاشته باشد، بازنده این تصمیم، تنها و تنها خودش است. جسارتا، این نمایش اقتدار نیست، این بیشتر شبیه عقده گشایی است. مربی مثل معلم است، مربی یک جاهایی باید خودش را به ندیدن و نشنیدن بزند، مربی خروس جنگی نیست. ورزش آنلاین

مربی که از کاه، کوه ساخت!

شما می توانید با این نوشته مخالف باشید و حق را به اسکوچیچ بدهید و بگویید طارمی باید یاد بگیرد علیه سرمربی تیم ملی اقدامی نکند و اگر دراگان با طارمی برخورد نمی کرد، سنگ روی سنگ بند نمی شد. شما می توانید با این نوشته موافق باشید و بگویید حق با طارمی است و سرمربی تیم ملی باید سوتفاهم ایجاد شده را مدیریت می کرد نه این که لج کند و طارمی را خط بزند اما با هر دیدگاهی، به این نکته توجه کنیم که تیم ملی دو بازی حساس در راه رسیدن به جام جهانی دارد و هر اتفاقی که مسیر تیم ملی را با خطر مواجه کند، محکوم است.
آیا سرمربی تیم ملی که این اشتباه را مرتکب شده بیشتر تیمش را در معرض خطر قرار می دهد یا منتقدی که در دفاع از طارمی می نویسد کار اسکوچیچ اشتباه بود؟ دراگان می خواست گربه را دم حجله بکشد اما اشتباهی به خاطر یک دستمال، قیصریه را به آتش کشید. سرمربی تیم ملی از یک کاه، کوه ساخت.
آن چه بین او و طارمی گذشت خیلی ساده تر از این قابل حل بود. مگر نه این که دراگان با سردار تماس گرفت و گفت منظورم اهانت به بازیکنان ایرانی نبود؟ می شد در اولین شب حضور طارمی در اردو، با همین توضیح، او را وادار به عذرخواهی رسمی کرد. دراگان شاید تصور می کند حالا با این کار شاگردانش از او می ترسند اما نه، مطمئن باشید اصلا چنین چیزی نیست. با این کار شاگردانش بیشتر به تفاوت او با مربیان بزرگ پی می برند! ورزش آنلاین

تقدیر از استاد و پیشکسوت فوتبال کشور



رضا سیاهوشی: در سال ۱۳۹۶ تعدادی از مدیران و پیشکسوتان فوتبالی در تهران تصمیمی مبنی بر تجلیل از بزرگان فوتبالی کشور می گیرند تا هرسال و در روز معلم از ۸ نفر بزرگ فوتبالی کشور تجلیل نمایند.
لذا با توجه به حضور مجید کنگانی مدیرعامل اسبق شاهین که خود یکی از بنیان گذاران آن برنامه بوده، ایشان نیز پیشنهاد استاد عباس گیشویی را دادند که مورد موافقت همه اعضا قرار گرفت و دعوت نامه ای برای وی و ۷ نفر دیگه ارسال گردید تا در مراسمی که به همین منظور ترتیب داده بودند، شرکت نمایند. هرچند متاسفانه به خاطر این که استاد عمل چشم انجام داده بودند سفر به پایتخت میسر نگردید و باز در سال ۹۸ هم به خاطر بیماری کرونا آن مراسم کنسل گردید.
اما خوشبختانه فرصتی یافتیم تا به بهانه تحویل تابلو فرش استاد، به خاطر رعایت پروتکل های بهداشتی با تعداد اندکی از دوستان از جمله کنگانی، کاوه ئیان ، کامیاب و سیروس بنه گزی خدمت ایشان برسیم تا هم دیداری تازه و عرض ادبی کرده باشیم و هم هدیه اش را تقدیم نماییم.

طارمی و آزادی بیان در قرن ۲۱!

مشخص نیست مسئولان تیم ملی فوتبال ایران از رئیس فدراسیونش تا سرمربی و سرپرست بحث‌برانگیز تیم ملی، در کدام مقطع زمانی گیر کرده‌اند که توانایی حل و فصل‌کردن یک اختلاف‌نظر ساده را هم ندارند. دراگان به راحتی نظرش را درباره بازیکنان ایرانی گفته و کسی برخلاف میل باطنی‌شان شاید بر او خرده‌ای نگرفته است. یکی مثل مهدی طارمی هم نظرش را به سادگی عنوان کرده و پاسخ اسکوچیچ را داده است. حال مسئولان تیم ملی در کدام عصر گیر افتاده‌اند که اعتقادی به آزادی بیان ندارند.
از این اختلاف‌ها روزانه و به‌صورت ساعتی در تمامی تیم‌های مطرح و غیرمطرح دنیا وجود دارد و بسیاری از بازیکنان، با نظر سرمربیان و برعکس موافق نیستند، ولی پروژه حذف و خط‌زدن، آخرین گزینه روی میز برای تیم‌هایی است که مدیران درست و حسابی دارند.
نه اسکوچیچ حرف بدی زده و نه مهدی طارمی ولی به نظر می‌رسد آتش بیار معرکه چنان زیاد است که چند جمله ساده به بحرانی بزرگ تبدیل شده است.



آیا اظهارنظر طارمی بی‌انضباطی است؟

چه طور سرمربی تیم ملی به خودش اجازه داده درباره بازیکنان ایرانی حرف بزند و نقطه ضعف آنها را جار بزند، ولی توان شنیدن یک پاسخ ساده را هم نداشته است؟ به نظر می‌رسد اسکوچیچ در این زمینه، بیش از آن که مصلحت تیم را در نظر گرفته باشد، مشکل را شخصی قلمداد کرده است. او بی‌نظمی را با نظر شخصی اشتباه گرفته است. از طرفی به نظر می‌رسد دراگان در این زمینه بیش از هر زمان دیگری، اسیر مشاوره‌های بیرونی شده است. همان مشاورانی که یک‌ریز زیر گوشش خوانده‌اند که طارمی را دعوت نکن تا نشان دهی چیزی از کارلوس کی‌روش کم نداری. دوباره به نظر می‌رسد مثل خود اسکوچیچ، مشاوران او هم دچار اشتباه شده و حرف‌های مهدی طارمی را با بی‌انضباطی در تیم ملی قاطی کرده‌اند. از طرفی، اسکوچیچ در این مقطع زمانی هر چه قدر هم که تلاش کند، کی‌روش نمی‌شود. خوب یا بد، بسیاری از بازیکنان تیم ملی، بدون چون و چرا پذیرای حرف‌ها و نظرات کی‌روش بودند ولی کیست که نداند همین حالا در رختکن تیم ملی اختلاف‌نظرها زیاد است و ستاره‌های بزرگ تیم به ویژه آن هایی که فرصت چندانی برای بازی‌کردن به دست نمی‌آورند، دل خوشی از اسکوچیچ ندارند. اگر قرار به پرسش نظر بازیکنان مبنی بر ادامه یا عدم همکاری با اسکوچیچ باشد، بازیکنان تیم ملی پشت دراگان قرار می گیرند؟ اشتباه استراتژیک دراگان، با وجود نتایجی که گرفته همین‌جاست؛ او در اولین لغزشش با تیم ملی، اعتماد و حمایت بازیکنان را از دست می‌دهد و به سرنوشتی که دوست ندارد دچار می‌شود. روزنامه شرق